

The Diplomatic Interactions Quarterly

Vol. 3, No. 9, Spring 2025, Pp: 63-108

Http:// www.dpiq.ir

Comparative Study of Diplomacy of the Eurasian Economic Union and BRICS Towards Integration

Somayeh Mokhtari¹

Seyed Mohammad Kazem Sajadpour²

Mahnaz Goodarzi³

(Received: 13/12/2024 - Accepted: 05/04/2025)

DOI: 10.22034/dpiq.2025.530231.1043

Extended Abstract

Problem Statement

After the establishment of the European Common Market, several economic integration processes emerged worldwide, including ASEAN, NAFTA, Mercosur, ECO, SAARC, the Southern African Development

1. PhD Student, Department of International Relations, Isfahan (Khorasgan) Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran (S.mokhtari0312@iau.ir)

Orcid Code: <https://orcid.org/0009-0005-3051-1797>

2. Professor, Department of Diplomacy and International Organizations, Faculty of International Relations, Ministry of Foreign Affairs, Tehran, Iran. (Smksajjad@yahoo.com)- Corresponding Author

Orcid Code: <https://orcid.org/0000-0002-5011-7245>

3. Associate Professor, Department of International Relations, Faculty of Law and Humanities, Isfahan (Khorasgan) Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran. (M_goodarzi@iau.ac.ir)

Orcid Code: <https://orcid.org/0000-0003-2697-2492>

Council, and the Southern African Customs Union. Integration levels differ across regions, depending on political will, market openness, and trade concessions. Consequently, various types and stages of economic integration—preferential trade, free trade, common market, customs union, economic union, and political union—have formed globally. The Eurasian Economic Union (EAEU) and BRICS are recent institutions aimed at fostering strong and coherent economic and political cooperation, enhancing national and collective interests, and influencing the global economy and international politics.

Objective

This dissertation employs a qualitative comparative approach to analyze the state of integration in the EAEU and BRICS, aiming to:

Increase understanding and knowledge of economic integration processes

Classify and evaluate institutional achievements

Identify possibilities for harmonization and unification of integrative measures

The central research question is: Which of the Eurasian Economic Union or BRICS has achieved greater success in the field of integration?

The research hypothesis posits that the EAEU has been more successful in trade integration, whereas BRICS has achieved greater political and economic influence.

Methodology

A qualitative comparative study was conducted to examine the integration strategies and outcomes of both organizations, considering their structural, political, and economic differences.

Findings / Results

Eurasian Economic Union (EAEU)

The EAEU has focused on economic coherence from the outset, promoting integration in agriculture, energy, industry, banking, and pharmaceuticals. Its achievements include institutionalization, regulatory development, trade growth, reduction/elimination of tariffs, preferential agreements, free trade agreements, and customs unions with third countries. Success largely depends on member states' political will and capacities.

BRICS

BRICS has successfully influenced global economic growth and trade despite lacking formal economic integration mechanisms such as preferential trade agreements or a common market. It operates as an intergovernmental coalition of influential developing countries and emerging markets, facilitating global trade expansion. BRICS relies on statements and memoranda of understanding rather than binding institutional regulations, yet it has a significant impact on international trade and the economies of developing countries.

Conclusion

Both EAEU and BRICS have created trade among their members and promoted economic development, albeit through different mechanisms. EAEU demonstrates deeper integration through institutionalized economic cooperation, whereas BRICS leverages political influence and flexible intergovernmental collaboration. This supports the research hypothesis: while differing in nature and structure, both institutions have enhanced economic integration and promoted state-driven development

models, with EAEU emphasizing formal integration and BRICS offering easier membership and influence.

Keywords: BRICS, Common Market, Eurasian Economic Union, Free Trade, Integration, Trade.

How to Cite: Mokhtari, S., Sajjadpour, M. K. and Godarzi, M. (2025). Comparative Study of Diplomacy of the Eurasian Economic Union and BRICS Towards Integration. *Diplomatic Interactions*, 3 (9), 63- 108. doi: 10.22034/dpiq.2025.530231.1043

مقایسه تطبیقی دیپلماسی اتحادیه اقتصادی اوراسیا و

بریکس در مسیر همگرایی

سمیه مختاری^۱ - محمد کاظم سجادی پور^۲ - مهناز گودرزی^۳

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۹/۲۳ - تاریخ تصویب: ۱۴۰۴/۰۱/۱۶)

DOI: 10.22034/dpiq.2025.530231.1043

چکیده

اتحادیه اقتصادی اوراسیا و بریکس از نهادهای متاخر در جهت ایجاد یک سازمان قوی و منسجم برای تامین منافع ملی، جمعی و تاثیرگذار بر اقتصاد و سیاست بین‌الملل تشکیل شده که در مسیر یکپارچگی عملکرد متفاوتی داشته‌اند. اتحادیه، در مسیر همگرایی در امر نهادگرایی، تنظیم مقررات، قراردادهای تجارت ترجیحی و تجارت آزاد که منجر به رشد تجاری در میان کشورهای عضو شده موفق بوده است. از طرف دیگر، بریکس نهادی مهم متشکل از کشورهای بزرگ در حال توسعه، سرمایه دار و تاثیرگذار بر اقتصاد جهانی است که در حال حاضر به مثابه یک ائتلاف بین‌الدولی با برنامه اقتصادی مشخص می‌باشد و هنوز تا تبدیل شدن به یک سازمان اقتصادی فاصله دارد، ولی به لحاظ ماهوی و جغرافیایی می‌توان آن را یک نهاد اقتصادی فرامنطقه‌ای به حساب آورد که به دنبال ارتقاء مدل توسعه اقتصادی خاص خود می‌باشد و در صدد است با افزایش همگرایی اقتصادی بین اعضا، الگوی توسعه اقتصادی خود را تحکیم نماید. بریکس در مقایسه با اتحادیه اقتصادی اوراسیا، هیچ یک از مراحل همگرایی اقتصادی را که شامل قرارداد تجارت ترجیحی، تجارت آزاد، ایجاد اتحادیه گمرکی، حذف تعرفه‌های تجاری و تعرفه‌های مشترک تجارت خارجی است را خلق نکرده است و از طریق بیانیه‌ها و یادداشت تفاهات، مکانیسم همکاری را برای اعضا ترسیم می‌کند. هدف این تحقیق بررسی همگرایی در این دو نهاد است و می‌خواهد به این سوال پاسخ دهد که کدامیک از سازمانهای اتحادیه اقتصادی اوراسیا و بریکس در زمینه همگرایی موفقیت بیشتری کسب کرده‌اند؟ با استفاده از روش پژوهشی کیفی و رویکرد مقایسه تطبیقی با بررسی آمار تجاری و اقتصادی و اقداماتی که هر دو نهاد از زمان شکل‌گیری به انجام رسانده‌اند، به این نتیجه می‌رسند که اتحادیه اقتصادی اوراسیا در تامین اهداف همگرایی در امر تجارت موفق‌تر عمل کرده اما قابلیت بریکس در همگرایی سیاسی و توسعه اقتصادی بیشتر بوده است.

واژگان کلیدی: اتحادیه اقتصادی اوراسیا، بریکس، بازار مشترک، تجارت آزاد، همگرایی.

۱. دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل، واحد اصفهان (خوراسگان) دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران

(S.mokhtari0312@iau.ir)

Orcid Code: <https://orcid.org/0009-0005-3051-1797>

۲. استاد دیپلماسی و سازمان‌های بین‌المللی دانشکده روابط بین‌الملل وزارت امور خارجه، تهران، ایران

(Smksajjad@yahoo.com) - نویسنده مسئول

Orcid Code: <https://orcid.org/0000-0002-5011-7245>

۳. دانشیار روابط بین‌الملل دانشکده حقوق و علوم انسانی، واحد اصفهان (خوراسگان) دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان،

ایران (M_goodarzi@iau.ac.ir)

Orcid Code: <https://orcid.org/0000-0003-2697-2492>

مقدمه

روابط اقتصادی بین کشورها بر اساس نیاز و منافع آنها صورت می‌گیرد و هر کشوری سعی می‌کند مازاد تولید خود را به دیگر ممالک نیازمند یا علاقمند صادر کند و محصولات مورد نیاز خود را از بهترین منابع تامین نماید. این امر به گسترش روابط تجاری بین کشورها می‌انجامد و زنجیره تولید و توزیع جهانی را شکل داده و تکمیل می‌کند. روندهای همگرایانه اقتصادی بعد از جنگ جهانی دوم پا گرفتند. کشورهای اروپایی که خسارات قابل توجهی را متحمل شده بودند تصمیم گرفتند برای مبارزه با تبعات جنگ روابط اقتصادی بین خود را تسهیل و تجارت را گسترش دهند که نتیجه آن تاسیس اتحادیه اروپا با ۲۷ عضو بود. پس از آن، اتحادیه‌های متعددی در سرتاسر جهان با الهام گرفتن از اتحادیه اروپا ایجاد شدند. میزان همگرایی در اتحادیه‌ها و مناطق مختلف فرق می‌کند و بستگی به اراده سیاسی رهبران، آمادگی برای ایجاد بازار آزاد و تبادل امتیازات تجاری دارد. به همین دلیل انواع و مراحل مختلفی از همگرایی اقتصادی در مناطق مختلف مشاهده می‌شود که معروفترین آنها تجارت ترجیحی، تجارت آزاد، بازار مشترک، اتحادیه گمرکی، اتحادیه اقتصادی و اتحادیه سیاسی هستند. اتحادیه اقتصادی اوراسیا و بریکس از سازمانهای متاخر با اهداف همگرایی هستند که به رهبری روسیه و چین با فاصله نزدیک به هم پا به عرصه گذاشتند.

پس از فروپاشی اتحادیه جماهیر شوروی، گرایش برخی از کشورهای تازه تاسیس به غرب و ادغام در جامعه اروپا، روسیه را بر آن داشت که با کشورهای نزدیک به خود در زمینه ایجاد روندهای پایدار همگرایی اقتصادی گام بردارد. اتحادیه اقتصادی اوراسیا آخرین تلاش روسیه برای تحقق همگرایی اقتصادی منطقه‌ای است. این اتحادیه در سال ۲۰۱۱ کار خود را به عنوان اتحادیه گمرکی شروع کرد و از سال ۲۰۱۵ با ۵ عضو، سطح خود را به یک اتحادیه اقتصادی ارتقاء بخشید. بازار واحد کالا، خدمات، سرمایه و نیروی کار از مهم‌ترین اهداف اتحادیه می‌باشد که در جهت تحقق آنها تلاش فراوان به عمل آمده است.

از طرف دیگر بریکس سازمانی مهم متشکل از کشورهای مهم در حال توسعه، بازارهای نوظهور و صاحب نفوذ بوده که با قدرت تولیدی قابل توجه و برنامه‌های توسعه قوی، تجارت خود را به سطح جهانی گسترش داده و نقش مؤثری در اقتصاد و تجارت جهانی ایفا میکنند و هر یک از اعضا در منطقه خود دارای امکان تاثیرگذار بر اقتصادهای ملی و منطقه ای هستند. بریکس در حال حاضر به مثابه یک ائتلاف بین‌الدولی با برنامه اقتصادی مشخص می‌باشد و هنوز تا تبدیل شدن به یک سازمان اقتصادی فاصله دارد، ولی به لحاظ ماهوی و جغرافیایی می‌توان آن را یک نهاد اقتصادی فرامنطقه‌ای به حساب آورد که به دنبال ارتقاء مدل توسعه اقتصادی خاص خود می‌باشد و در صدد است با افزایش همگرایی اقتصادی بین اعضا الگوی توسعه اقتصادی خود را تحکیم نماید.

رساله حاضر با استفاده از روش کیفی برای تحلیل وضعیت ادغام در هر نهاد تدوین شده است و با استفاده از رویکرد مطالعات تطبیقی، ضمن در نظر گرفتن تفاوت‌های آنها، به دانش عمیق‌تری از دستاوردهای آنها دست یافته است. اهداف مطالعه تطبیقی بین دو نهاد اقتصادی، افزایش درک دانش، طبقه‌بندی، ارزیابی و اصلاح در نهایت هماهنگی یکسان‌سازی احتمالی اقدامات ادغام است.

پژوهش حاضر به دنبال پاسخگویی به این سوال است که کدامیک از سازمانهای اتحادیه اقتصادی اوراسیا و بریکس در زمینه همگرایی موفقیت بیشتری را کسب کرده‌اند؟ فرضیه تحقیق بر این موضوع مبتنی است که اتحادیه اقتصادی اوراسیا در تامین اهداف همگرایانه تجاری موفق‌تر عمل کرده اما قابلیت بریکس در همگرایی سیاسی و اقتصادی بیشتر بوده است.

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که اتحادیه اقتصادی اوراسیا از همان ابتدا، با تاکید بر ادغام اقتصادی در کشاورزی، انرژی، صنعت، و دارو، زمینه انسجام اقتصادی را فراهم می‌کند و از اعضا خواسته است تا در جهت ادغام گام بردارد. با بررسی چارچوب اقدامات انجام شده توسط اتحادیه از بدو تاسیس، می‌توان نتیجه گرفت که این اتحادیه در زمینه نهادسازی، تنظیم مقررات، رشد تجارت، کاهش و حذف تعرفه‌های تجاری، انعقاد توافقنامه‌های تجارت ترجیحی، توافقنامه‌های تجارت آزاد و اتحادیه‌ها گمرکی با

کشورهای ثالث موفق بوده است. در واقع، اراده و توانایی کشورهای عضو برای دستیابی به ادغام تعیین کننده بوده است.

از سوی دیگر، بریکس در رشد اقتصادی، تأثیرگذاری بر اقتصاد جهانی و دستیابی به ادغام موفق بوده است. این یک ائتلاف مهم بین دولتی است که متشکل از کشورهای مهم در حال توسعه، بازارهای نوظهور و کشورهای تأثیرگذار با قدرت تولیدی قابل توجه و برنامه‌های توسعه‌ای قوی است. آنها تجارت خود را به سطح جهانی گسترش داده‌اند و هر یک از آنها نقش مهمی در منطقه خود ایفا می‌کنند و امکان تأثیرگذاری بر سایر اقتصادهای ملی و منطقه‌ای را دارند. بریکس در حال حاضر یک اتحادیه دولتی با یک برنامه اقتصادی خاص است و هنوز تا تبدیل شدن به یک سازمان اقتصادی فاصله زیادی دارد. اما از نظر ماهیت و جغرافیا، می‌توان آن را یک نهاد اقتصادی فرامنطقه‌ای دانست که با افزایش ادغام اقتصادی بین اعضا، به دنبال ترویج مدل توسعه اقتصادی خود است. در مقایسه با اتحادیه اقتصادی اوراسیا، بریکس با وجود داشتن کشورهای در حال توسعه بزرگ و قدرتمند با قلمرو، جمعیت، قدرت اقتصادی و قدرت نظامی و دفاعی که می‌تواند بر روندهای جهانی تأثیر بگذارد، هیچ یک از مراحل از همگرایی اقتصادی مانند توافقنامه‌های تجارت ترجیحی، تجارت آزاد، اتحادیه گمرکی و اتحادیه اقتصادی را به پایان نرسانده‌اند. این سازمان، کمیسیون اقتصادی برای تدوین قوانین یا نظارت بر اجرای آنها ندارد، فقط بیانیه‌ها و یادداشت‌های تفاهم، سازوکار همکاری برای اعضا را تشریح می‌کنند.

پیشینه تحقیق

وانگ چن در مقاله بریکس و همگرایی اقتصادی منطقه‌ای بر این باور است همانند سازی و همگرایی اقتصادی با دیگر اقتصادهای نوظهور ریشه قدرت و توسعه بریکس می‌باشد و هر چه این نهاد بتواند در این زمینه پیش رود موفقیت بیشتری را شاهد خواهد بود. چن بریکس را با اتحادیه اروپا و آسه آن مقایسه کرده و تحلیل می‌نماید که حیات سازمانهای اقتصادی منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در گرو رشد کمی و کیفی آنها بوده و تعمیق همگرایی

باعث مانایی و تداوم فعالیتها و گسترش زمینه های همکار خواهد شد. هر چند که با چالشهای ساختاری و سیاستگذاری هم روبرو خواهد شد (Chen, 2017; 109-128). این مقاله از جهت توجه به همگرایی در بریکس و مقایسه آن با اتحادیه اروپا و آسه آن قابل توجه است اما به همگرایی در اتحادیه اقتصادی اوراسیا پرداخته در حالیکه پژوهش حاضر موضوع همگرایی اقتصادی را علاوه بر بریکس با اتحادیه اقتصادی اوراسیا مقایسه می کند.

مصطفی و محمود در پژوهشی با عنوان « اتحادیه اقتصادی اوراسیا: تکامل، چالشها و مسیرهای احتمالی آینده » بدنبال پاسخ به این پرسش است که آیا اتحادیه اقتصادی اوراسیا در آینده در راستای تحقق اهداف خود موفق خواهد بود؟ این نوشتار با تجزیه و تحلیل انتقادی تاریخ و سیر تکامل اتحادیه موفقیت و چالشهای پیش روی آن، به این نتیجه می رسد که علیرغم تلاشهای بسیار، اتحادیه اقتصادی اوراسیا بسختی موفقیت چشم گیری داشته زیرا اکثر اهداف آن اعلامی و با انگیزه سیاسی بوده و جدی گرفته نشده است. (Mostafa, Mahmood, 2018: 163-179) تفاوت این مقاله با پژوهش کنونی توجه صرف به مشکلات داخلی روسیه و عدم توجه به موفقیتهای اتحادیه است در صورتیکه تمرکز مقاله جاری، بررسی ظرفیت ها و موفقیتهای اتحادیه اقتصادی اوراسیا و بریکس در همگرایی می باشد.

سالزمن در کتاب روسیه، بریکس و اختلال در نظم جهانی استدلال می نماید که روسیه با مشارکت در ابتکار شکل گیری بریکس بدنبال پایان دادن به سلطه طلبی آمریکا در نظام بین الملل و پایه ریزی نظم جدید جهانی است. این کشور تلاش چشمگیری در متقاعد کردن رهبران کشورهای عضو بریکس در ضرورت پذیرفتن مسئولیت در حاکمیت اقتصادی جهان به عمل آورد و موفقیت این تلاشها باعث شد بریکس در زمان کنونی با ابتدای شکل گیری تفاوت چشمگیری داشته باشد. سالزمن بر این باور است که رابطه فوق یک سویه نبوده و بریکس نیز توانسته تا حد قابل توجهی بر سیاست خارجی روسیه تاثیر بگذارد و باعث اعتبار بین المللی آن شود (Salzman, 2019). این کتاب، اطلاعات خوبی در مورد انگیزه های اعضای موسس بریکس ارائه می دهد اما به میزان موفقیت بریکس برای

همگرایی نپرداخته است لذا با مقاله حاضر که به همگرایی در بریکس و اتحادیه اقتصادی اوراسیا می پردازد فرق دارد.

آناند در کتاب راهنمای بریکس و اقتصادهای نوظهور از این نظریه دفاع می نماید که بریکس نه یک ازدواج مصلحتی بلکه کلوپ کشورهای قدرتمند در حال توسعه است و با گامهایی مانند برگزاری اجلاسها، صدور بیانیه ها، تصویب اسناد و پذیرش اعضای جدید در حال تبدیل شدن به یک قدرت جهانی است که الگوی توسعه اقتصادی و اجتماعی خود را می جوید و به عنوان هویت آن را ترویج می نماید (Anand et al, 2021). این مقاله به لحاظ ارائه شناخت از بریکس قابل بهره برداری بوده، اما پژوهش پیش رو به موضوع همگرایی و مقایسه دو نهاد بریکس و اتحادیه اقتصادی اوراسیا پرداخته است.

اوجینا پومرلین و ماکسیم بلیتس کیدر در پژوهشی با عنوان «همگرایی منطقه ای و عملکرد اقتصادی: شواهدی از اتحادیه اقتصادی اوراسیا» عنوان کرده است که رابطه قوی بین یکپارچگی منطقه ای و عملکرد اقتصادی وجود دارد. این مقاله تاثیر یکپارچگی منطقه ای بر شاخص های اقتصاد کلان در اتحادیه اقتصادی اوراسیا را بررسی کرده است. این مطالعه دو نوع استراتژی همکاری منطقه ای را مقایسه می کند: اول، آزادسازی تجاری یک جانبه گشایش یک طرفه دسترسی به بازار که مستلزم هیچ گونه امتیاز متقابل نیست و دوم، آزادسازی منطقه ای متقابل به عنوان درجه یکپارچگی اقتصادی منطقه ای بین کشورها ارزیابی می کند. با تجزیه و تحلیل داده های پنج کشور ارمنستان، بلاروس، قزاقستان، قرقیزستان و روسیه به این نتیجه می رسد که در مرحله فعلی، اتحادیه اقتصادی اوراسیا به طور مثبت بر جریان های تجاری تأثیر می گذارد اما بر سطح اشتغال و شاخص های عملکرد اقتصادی دیگر تأثیری ندارد. همچنین علیرغم سطح اعلام شده یکپارچگی اقتصادی، اتحادیه گمرکی و بلوک اوراسیا عمدتاً به عنوان یک منطقه تجارت آزاد عمل می کند که تجارت متقابل را تسهیل می نماید و با اهداف گسترده تری که هدف ادغام منطقه ای برای دستیابی به آن است متفاوت است (Pomerlyan, and Belitski, 2023: 627-655)، پژوهش حاضر از فاکتورهای موفقیت آمیز اتحادیه بهره برده و آن را با بریکس مقایسه

نموده است در حالیکه مقاله ذکر شده اشاره‌ای به بریکس نکرده و یکپارچگی را فراتر از تجارت آزاد و اتحادیه گمرکی دانسته است.

باسیجینا (۲۰۲۴)، در مقاله‌ای تحت عنوان «تاثیر جنگ اوکراین بر اتحادیه اقتصادی اوراسیا» بر نیات سلطه‌طلبانه روسیه در تشکیل اتحادیه اقتصادی اوراسیا و وابستگی کشورهای عضو به این کشور پرداخته است. این پژوهش جنگ اول اوکراین را تسریع کننده ظهور اتحادیه اقتصادی اوراسیا در سال ۲۰۱۵ بیان کرده است و ضمن اشاره به برخی از اقدامات اقتصادی در راستای همگرایی اقتصادی، همگرایی سیاسی را ناکام دانسته و برخلاف جنگ کریمه، جنگ دوم اوکراین که از سال ۲۰۲۲ آغاز شده است مانعی برای همگرایی و حتی حیات اتحادیه اقتصادی اوراسیا دانسته است (Busygina, 2024). تفاوت پژوهش حاضر با این مقاله در این است که به موفقیت‌های اتحادیه اقتصادی اوراسیا پرداخته و در واقع اتحادیه را در مقایسه با بریکس در امر همگرایی موفق تر یافته است. آثار پژوهشی ذکر شده هر کدام تنها به یک نهاد بریکس یا اتحادیه اقتصادی اوراسیا پرداخته‌اند و برخی از آنها حتی همگرایی را مورد بررسی قرار نداده‌اند. این منابع از جهت آنکه اطلاعاتی در اختیار ما از این دو نهاد قرار می‌دهند مهم هستند اما در هیچ یک مقایسه‌ای در خصوص همگرایی بین بریکس و اتحادیه اقتصادی اوراسیا ارائه نداده‌اند در حالیکه پژوهش پیش رو در صدد بررسی این موضوع می‌باشد.

چارچوب نظری

رویکردهای نوکارکردگرایی در همگرایی و واگرایی

به نظر می‌آید نظریه نوکارکردگرایی، نظریه‌ای جامع و مناسب برای این مقاله در جهت سنجش همگرایی برای دو نهاد اتحادیه اوراسیا و بریکس است. تئوری نوکارکردگرایی به خوبی مسیر همگرایی را تشریح کرده و با وجود اختلافاتی که بین متفکران کارکردگرایی وجود دارد اما در تشکیل نهاد میان کشورها و انتقال برخی تصمیمات به آن نهاد جدید برای فائق آمدن بر مشکلات و رسیدن به اهداف توسعه‌ای مشترک می‌باشد.

نظریه پردازان این تفکر، آن را یک فرآیند، به جای نتیجه یا یک حالت نهایی در نظر گرفته‌اند. این نظریه معتقد است که فرایند همگرایی، نهادهای منطقه‌ای متمایزی را ایجاد می‌کند که رویکرد همیشه متحول کننده دارد و انتظارات و فعالیت های بخشی از بازیگران شرکت کننده در فرآیند همگرایی را تغییر می‌دهد (Lindberg: 1963: 6). توجه به بازیگران غیر دولتی در کنار بازیگران دولتی، انگیزه نیازهای مادی بجای ایدئولوژی، تمرکز بر نهاد منسجم و قانون مند، تاکید بر خودمختاری و استقلال نهادهای فراملی و قبول منافع برای همه بازیگرانی که در این یکپارچگی قرار دارند یعنی منافع با حاصل جمع مثبت، کارآمدی نهادهای ملی و مشترک، از مهمترین مفروضات نوکارکردگرایی در راستای همگرایی است (Haas, 1964: 66).

از مفروضه‌های دیگر نوکارکردگرایی، سرریز عملکردی است، نوکارکردگرایان، پویایی فرایند یکپارچه‌سازی را در مفهوم سرریز گنجانده‌اند. هاس در توصیف منطق گسترده یکپارچه‌سازی، معتقد است که یکپارچگی در یک بخش منجر به فشارهای فنی می‌شود که کشورهای عضو را به یکپارچگی در بخشهای دیگر سوق می‌دهد. در واقع مشکلات عملکردی در برخی بخش‌ها آنقدر به یکدیگر وابسته هستند که تنها با ادغام بیشتر قابل حل است. هاس معتقد بود که یکپارچگی یک بخش انگیزه گسترش به کل اقتصاد را ایجاد می‌کند. سرریز باعث فراهم شدن زمینه برای همگرایی می‌شود و موضوعات بخشهای مختلف آن چنان وابستگی متقابلی ایجاد می‌کنند که حل آنان فقط از طریق تصمیمات یکپارچه میسر می‌گردد که به سرریز عملیاتی معروف است و نوعی حالت هم تکمیلی بین نقشها و وظایف بین نخبگان ملی و نهادهای فراملی ایجاد می‌کند (Haas, 1958, 297).

در ادبیات نوکارکردگرایی، سرریز عملکردی منطق غالب برای ادغام بیشتر است. حامیان این نظریه بر نخبگان اقتصادی و سیاسی به عنوان تنها عواملی که می‌توانند چنین تسری ایجاد کنند، تمرکز دارند (Lindberg and Scheingold, 1970:33).

روند همگرایی در اتحادیه اقتصادی اوراسیا

اتحادیه اقتصادی اوراسیا که از سال ۲۰۱۱ کار خود را با عنوان اتحادیه گمرکی توسط روسیه، قزاقستان و بلاروس شروع کرده بود در سال ۲۰۱۵ با اضافه شدن قرقیزستان و ارمنستان، سطح خود را به یک اتحادیه اقتصادی ارتقاء بخشید تا اعضای آن بتوانند از روابط درون گروهی خود بیشترین استفاده را کرده و ضمن مدرنیزه کردن اقتصاد خود بتوانند محیطی مناسب برای رقابتی شدن ایجاد نمایند. بازار واحد کالا، خدمات، سرمایه و نیروی کار از مهم‌ترین اهداف اتحادیه می‌باشد که در جهت تحقق آنها تلاش فراوان به عمل آمده است. به علاوه، اتحادیه توانسته است نهادهای جدیدی مانند شورای عالی اقتصادی اوراسیا، شورای بین‌حکومتی، کمیسیون اقتصادی و دادگاه اتحادیه را برای ثبات و توسعه به وجود آورد و از بانک توسعه اوراسیا و صندوق اوراسیا، که با هدف یکپارچگی در اوراسیا ایجاد شده است به خوبی بهره‌بردار.

انگیزه کشورها برای یکپارچگی منطقه‌ای متمایز است و تفاوت‌های قابل توجهی بین کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه وجود دارد. همانطور که در نوکارکردگرایی مطرح است تفاوت‌های توسعه بین کشورهای عضو، سطح وابستگی اقتصادی، مکمل بودن اقتصادها، مدل یکپارچگی انتخاب شده و قابل اجرا بودن سیاست‌های یکپارچه و همچنین میزان تمایل سیاسی و تمرکز بر نهاد منسجم و قانون مند، درجه همگونی سیاسی در درون گروه، کارآمدی نهادهای ملی و مشترک و ظرفیت آنها برای انطباق با تغییرات جاری و نیازهای مادی بجای ایدئولوژی، انگیزه‌های متفاوتی را برای همگرایی ایجاد می‌کند. در اتحادیه اقتصادی اوراسیا همگونی‌ها و ناهمگونی‌های بسیاری میان اعضا وجود دارد که اهداف آنها را برای ایجاد و یا پیوستن به اتحادیه مشخص کرده است و همین فاکتورها همگرایی و واگرایی اتحادیه را تعیین می‌کند.

در خصوص میزان همگونی اهداف اعضا، هدف روسیه برای تشکیل اتحادیه اقتصادی اوراسیا از چند جنبه قابل بررسی است. علی‌رغم اینکه پوتین در هنگام امضاء اتحادیه اقتصادی اوراسیا، آن را یک اتحادیه اقتصادی با منافع اقتصادی نام برد اما دلایل کافی برای دنبال کردن اهداف دیگری مانند تبدیل شدن به یکی از قطب‌های دنیای مدرن، ایفای

نقش موثر بین اروپا و منطقه پویای آسیا و اقیانوسیه و حفظ نفوذ در منطقه خارج نزدیک خود وجود دارد. روسیه با جدا شدن از غرب و ورود به آسیا سه هدف عمده را دنبال می‌کند: ۱- تمدنی، آشکار ساختن این موضوع که روسیه ارزش های جهان غرب را رد و بر اصالت تمدن متمایز خود یعنی اوراسیاگرایی تاکید می‌کند ۲. جغرافیایی، ایجاد یک چارچوب امنیتی چندجانبه که در تقابل با سیستم اتحاد غرب محور است. ۳. اقتصادی، تبدیل شدن به بخش جدایی ناپذیری از اقتصاد پویای آسیا، توسعه مناطق شرق دور روسیه و نیز سیبری شرقی به عنوان یک مرکز تولید، انتقال زیرساخت های حمل و نقل خود برای ایده اوراسیاگرایی و همچنین تامین انرژی برای آسیا و نه اروپا (Rozman, 2018:13-14).

موضوع قابل توجه دیگر در نیت سیاسی روسیه کشمکش با غرب بدنبال اشغال کریمه بود. در این برهه روسیه در یک انزوای جهانی قرار گرفت و بدنبال تجدید وجهه بین المللی خود برآمد بطوریکه پس از مدتی از بحران کریمه اتحادیه اقتصادی اوراسیا اعلام موجودیت کرد. در واقع شکست روسیه در معرفی اوکراین به عنوان بخشی از همگرایی اوراسیا و بعد از آن بحرانهای متعدد با این کشور، وجهه مسکو تا حدود زیادی خدشه دار کرد اما روسیه به تلاشهای خود برای همگرایی ادامه داد تا اعتبار سیاسی خود را در جهان حفظ نماید.

قزاقستان همیشه حامی فعال ادغام منطقه ای و طرفدار یکپارچگی اقتصادی میان کشورهای اوراسیا است. نورسلطان نظربایف، رئیس جمهور سابق قزاقستان، ارتباط نزدیکی با روند ادغام اوراسیا داشت و خود را به عنوان بنیانگذار این پروژه می‌دانست. او اتحادیه را وسیله ای برای ساخت میراث خود به عنوان "همگرایی بزرگ" فضای پس از شوروی می‌دید. البته این بدان معنا نبود که نظربایف می‌خواهد تا سطح همگرایی سیاسی پیش رود. وی از همان ابتدا بر اهمیت یک اتحادیه اقتصادی بدور از ابعاد سیاسی تأکید کرد و با در دست گرفتن ابتکار عمل در اصول اساسی اتحادیه اقتصادی اوراسیا در مورد احترام به سیستم سیاسی هر یک از اعضا و احترام به حاکمیت سیاسی اعضا تأکید می نمود. به عبارت دیگر، پافشاری نظربایف در خصوص انتخاب عنوان اتحادیه اقتصادی ناشی از حساسیت وی بر استقلال حاکمیت سیاسی اعضا و تأکید بر صرفاً اقتصادی بودن

آن بود. بنابراین قزاقستان با تمرکز بر چشم انداز اقتصادی، اتحادیه را راهی برای تقویت رقابت بین‌المللی خود و رشد تجارت و توسعه اقتصادی اعضاء می‌دانست. با این وجود نباید از اهداف سیاسی، قزاقستان در پیوستن به اتحادیه غافل شد. قزاقستان به لحاظ ژئوپلیتیکی موقعیت خاص‌تری نسبت به کشورهای قزیزستان و ارمنستان دارد چرا که دارای مرزهای بسیار طولانی با روسیه است. بنابراین قزاقستان در تمامی ابتکارات منطقه‌ای روسیه حضور داشته و از تقابل با روسیه تاکنون دوری گزیده است. نباید این موضوع را از یاد برد که یکی از اهداف دولت قزاقستان در تغییر پایتخت از آلماتی به آستانه که در موقعیت شمالی این کشور واقع شده است کنترل بر جمعیت روسی بوده است.

برای بلاروس همانند قزاقستان، اتحادیه اقتصادی اوراسیا طرحی اقتصادی ولی با نیت سیاسی است. بلاروس به لحاظ سیاسی، امنیتی و اقتصادی همیشه مورد حمایت روسیه بوده است. الکساندر لوکاشنکو، رئیس جمهور بلاروس نه تنها توانست در جریان مذاکرات تاسیس اتحادیه اقتصادی اوراسیا با چانه زنی تخفیفات هنگفتی برای واردات منابع انرژی از روسیه بگیرد؛ به ویژه تخفیف بر روی واردات نفت روسیه که از طریق پالایشگاههای مستقر در بلاروس تسویه و به اتحادیه اروپا صادر می‌شد؛ بلکه روسیه باعث تثبیت اقتصاد مشکل دار بلاروس از طریق کمکهای خود شد (Kinyakin, 2016:59). بنابراین پذیرش در این اتحادیه شامل امتیازات اقتصادی و کسب حمایت بیشتر سیاسی و امنیتی از جانب روسیه بوده است. ناآرامی‌های سال ۲۰۲۰ و ۲۰۲۱ در بلاروس و حمایت‌های همه جانبه روسیه از این کشور در همین قالب می‌گنجد.

انگیزه ارمنستان به پیوستن به اتحادیه اقتصادی اوراسیا، هم انگیزه سیاسی و ژئوپلیتیکی بود و هم اقتصادی، انگیزه سیاسی ایروان بدلیل داشتن تنش‌های ارضی با جمهوری آذربایجان برخلاف سه کشور دیگر عضو اتحادیه، از انگیزه سیاسی بیشتری برای پیوستن به اتحادیه برای جلب حمایت روسیه در مقابل جمهوری آذربایجان برخوردار بود. در مورد رویکرد اقتصادی، از همان ابتدا ارمنستان نه تنها توانست تخفیف‌های کلانی طی مذاکره با واردات گاز طبیعی از روسیه بدست آورد همچنین قول سرمایه‌گذاری‌های هنگفت مسکو در زیر

ساخت‌های خود را گرفت (Malle, 2016, 211). تخفیفات گاز که مقامات ارمنستان اندکی پس از عضویت در اتحادیه از روسیه دریافت کردند در واقع پاداش روسیه به این کشور برای پیوستن به اتحادیه و نیز امتناع از امضاء موافقت‌نامه مشارکت با اتحادیه اروپا بود. انگیزه قرقیزستان، علاوه بر استقبال از آزادی جریان کالا، خدمات و نیروی کار و برداشتن موانع تعرفه‌ای و غیر تعرفه‌ای، قانونی شدن نیروی مهاجر به روسیه بود که تا پیش از این مهاجران کار قرقیزستان در روسیه به صورت غیر قانونی مشغول به کار بودند. این موضوع برای قرقیزستان که ۲۰ درصد تولید ناخالص داخلی خود را از حواله‌های مهاجران نیروی کار بدست می‌آورد بسیار اهمیت داشت.

بررسی اهداف موسسین اتحادیه اقتصادی اوراسیا و ارمنستان و قرقیزستان به این نتیجه منجر می‌شود که همه کشورهای عضو اتحادیه علاوه بر اهداف اقتصادی، نیت سیاسی و امنیتی پشت پرده را دنبال می‌کنند. همه این کشورها تنشهای میان روسیه و اوکراین را دیده‌اند و نمی‌خواهند سرنوشتی مانند آن پیدا کنند.

رهبران کشورهای عضو اتحادیه دلایل جدی دارند که سلطه روسیه را آشکارا به چالش نکشند. علاوه بر عوامل ذکر شده در بالا، روسیه بازار بزرگی برای کشورهای تازه تاسیس است که بسیاری از آنها به شدت به منابع انرژی روسیه و سرمایه‌گذاری‌های روسیه برای حمایت از اقتصاد ملی خود متکی هستند علاوه بر این، مقامات مستبد منطقه برای حمایت سیاسی و مشروعیت به درجات مختلفی به روسیه وابسته‌اند. بنابراین شاید در گام نخست برای عضویت در اتحادیه اهداف سیاسی و امنیتی مشوق همکاری اقتصادی در غالب اتحادیه اقتصادی اوراسیا بوده است. اما چیزی که کاملاً از عملکرد و اظهارات اعضا مشاهده می‌شود این است که غیر از روسیه هیچ کدام تمایلی به همگرایی سیاسی ندارند.

چارچوب حقوقی همگرایی در اتحادیه اقتصادی اوراسیا

اتحادیه اقتصادی اوراسیا از ارکان تصمیم‌گیری منسجم و سلسله‌مراتبی مناسبی برخوردار و در این زمینه توسعه یافته بحساب می‌آید. شورای عالی اقتصادی اوراسیا بالاترین نهاد

اتحادیه است که از سران کشورهای عضو تشکیل و تصمیمات کلان از طریق اجماع اتخاذ می‌شود. شورای بین‌حکومتی اوراسیا دومین رکن فراملی اتحادیه است که اعضای آن متشکل از نخست‌وزیران کشورهای عضو بوده و خط مشی لازم برای دستیابی به اهداف تعیین شده توسط رهبران تدوین و وظیفه آن نظارت بر نحوه اجرای تصمیمات شورای عالی اقتصادی است. در صورت عدم توافق میان اعضاء، موضوع اختلاف به نخست‌وزیران کشورهای عضو ارسال و تصمیمات نهایی بر اساس اجماع اتخاذ می‌گردد.

اجرای تصمیمات شورای عالی اقتصادی و شورای بین‌حکومتی به عهده کمیسیون اقتصادی اوراسیا است و مقر آن در مسکو قرار دارد. کمیسیون اختیارات زیادی در زمینه تنظیم قوانین تجارت خارجی، مقررات فنی، گمرکی، تعرفه‌ای و غیر تعرفه‌ای؛ تنظیم اقدامات بهداشتی، دامپزشکی و بهداشت گیاهی؛ حمایت از مالکیت فکری و حقوق مصرف‌کننده و سایر مقررات بر عهده دارد (Vinokurov, 2018: 66). تصمیمات کمیسیون اقتصادی در صورتی که با اجماع یا دو سوم آراء تصویب شود، برای تمامی کشورهای عضو الزام‌آور خواهد بود. با این حال هر یک از اعضاء در صورت مخالفت می‌تواند موضوع را به شورای عالی اقتصادی ارجاع و در صورت لزوم از حق وتو خود استفاده نماید. کمیسیون اقتصادی هم با ارگانهای ملی و هم با جوامع تجاری کشورهای عضو و سازمانهای دیگر کار می‌کند (Margaritou, 2021: 26).

دیوان یا دادگاه اتحادیه اقتصادی اوراسیا وظیفه رسیدگی به اختلافات تجاری اعضاء، تفاوت نظر در تفسیر قوانین و روابط حقوقی با سایر نهادهای اقتصادی بین‌المللی را دارد. محل دائمی دادگاه در مینسک بلاروس قرار دارد. مبنای حقوقی سازمان و عملکرد دادگاه اتحادیه، معاهده، موافقت‌نامه‌ها و تصمیمات شورای عالی اقتصادی اوراسیا می‌باشد. (www.courteurasian.org, 2024). یکی از مشکلاتی که دادگاه اتحادیه با آن مواجه است، اولویت قوانین ملی بر قوانین اتحادیه در صورت وجود تعارض بین آنها است. به

عنوان مثال در حال حاضر در برخی از مقررات، قانون اساسی روسیه و قزاقستان از معاهده تاسیس اتحادیه اعتبار بیشتری دارد. قانون اساسی فدراسیون روسیه تصریح می‌کند که موسسات اتحادیه اقتصادی اوراسیا مفاد قانون اساسی را در صورتی اعمال می‌کند که سطح بالاتری از حمایت از حقوق و آزادی‌های شهروندی را نسبت به مقررات حقوق بین‌الملل یا یک معاهده بین‌المللی فراهم کنند (Vinokurov, 2018: 56).

اتحادیه اقتصادی اوراسیا برای تسهیل تجارت داخلی و افزایش همکاری‌های تجاری با کشورهای دیگر (به‌ویژه با کشورهای همسایه و شریک‌های تجاری اصلی) موافقت‌نامه‌های تجاری متعددی از جمله موافقت‌نامه تجارت ترجیحی و آزاد به امضاء رسانده است. منطقه تجارت آزاد به عنوان گروهی از دو یا چند قلمرو گمرکی است که در آن عوارض و سایر کنترل‌های تجاری محدود کننده حذف شده‌اند.

اولین توافقنامه تجارت آزاد که توسط اتحادیه اقتصادی اوراسیا با طرف ثالث منعقد شد، موافقت‌نامه تجارت آزاد با جمهوری سوسیالیستی ویتنام در تاریخ ۲۹ می ۲۰۱۵ بود که در ۵ اکتبر ۲۰۱۵ لازم‌الاجرا گردید (unctad, 2024). این توافقنامه در قالب موافقتنامه تجارت آزاد منعقد شد. همچنین موافقتنامه تجارت آزاد صربستان با اتحادیه در ۲۵ اکتبر ۲۰۱۹ امضاء شد و در تاریخ ۱۰ جولای ۲۰۲۱ لازم‌الاجرا گردید. براساس این توافقنامه ۹۹ درصد صادرات صربستان به کشورهای عضو اتحادیه بدون عوارض گمرکی است (aric.adb, 2023).

موافقتنامه تجارت آزاد با کشور سنگاپور در تاریخ ۱ اکتبر ۲۰۱۹ امضاء شد. البته در این تاریخ دو توافقنامه به امضاء رسید. توافقنامه تجارت آزاد بین اتحادیه با جمهوری سنگاپور و توافقنامه در مورد همکاری تجاری و اقتصادی همه‌جانبه بین اتحادیه اقتصادی اوراسیا و سنگاپور (eec. eaeunion, 2024).

ایران نیز موافقتنامه ترجیحی و تجارت آزاد با اتحادیه دارد. قرارداد تجارت تعرفه ترجیحی (که به آن قرارداد موقت می‌نامیدند) در ۱۷ می ۲۰۱۸ امضاء شد و در اکتبر ۲۰۱۹ لازم‌الاجرا گردید و پس از ۴ سال مذاکره توافقنامه تجارت آزاد را در ۲۵ دسامبر ۲۰۲۳

با اعضاء اتحادیه به امضاء رساند (eec. eaeunion,2023) و در اسفند ۱۴۰۳ تصویب و ابلاغ آن از سوی مجلس شورای اسلامی ایران به انجام رسید. وجود ارکانهای ذکر شده و عملکرد آنها در اتحادیه نشان می‌دهد که بر اساس نظریه نوکارکردگرایی، اتحادیه در بخش نهاد سازی و ایجاد ارکان های لازم برای یک نهاد یکپارچه بخوبی عمل کرده است.

سیاستهای اقتصادی و تجاری اتحادیه اقتصادی اوراسیا

اتحادیه اقتصادی اوراسیا با ۱۸۳ میلیون نفر جمعیت ۲,۲۶ درصد از جمعیت جهان و همچنین ۲,۲۵ درصد از تولید ناخالص داخلی جهان و ۱,۹ درصد از تجارت جهان را تشکیل داده است (world Bank, 2024). تولید ناخالص این نهاد از یک تریلیون و ششصد و هجده میلیارد دلار در سال ۲۰۱۵ به ۲ تریلیون ششصد میلیارد دلار در سال ۲۰۲۲ رسید. البته در برخی از سالها بدلائل همه گیری ویروس کرونا و جنگ اوکراین رشد تولید ناخالص داخلی کاهش داشته است اما به طور کلی در فاصله بین ۲۰۱۵ تا ۲۰۲۳، تولید ناخالص داخلی کشورهای عضو اتحادیه از رشد ۵۰ درصدی برخوردار بوده و حتی کشورهای قرقیزستان و ارمنستان رشد ۱۰۰ درصدی را تجربه کرده‌اند (Trademap,2024).

تجارت داخل اتحادیه نیز از سال ۲۰۱۵ تا سال ۲۰۲۲ از ۹۰ میلیارد دلار به ۱۲۹ میلیارد دلار در سال ۲۰۲۱ افزایش یافت. روسیه از ۴۱ میلیارد دلار به بیش از ۶۹ میلیارد دلار در سال ۲۰۲۱ رسیده، قزاقستان از حدود ۱۶ میلیارد دلار به حدود ۲۸,۵۱۵ میلیارد دلار در سال ۲۰۲۳ و به نزدیک ۳۰ میلیارد دلار در سال ۲۰۲۴ افزایش داشته است. قرقیزستان بیش از دو برابر یعنی ۴,۳۲۴ میلیارد دلار تجارت داخلی با اتحادیه اقتصادی دارد. ارمنستان بیش از سایر کشورهای عضو افزایش تجارت داخلی را تجربه کرده از ۳ میلیارد دلار به ۷ و نیم میلیارد دلار در سال ۲۰۲۳ و بیش از ۱۲ میلیارد دلار در سال ۲۰۲۴ تجارت درون اتحادیه داشته که رقم بی سابقه‌ای است (Trademap, 2025). تجارت اتحادیه با جهان از ۶۵۴,۵ میلیارد دلار به ۹۶۳,۵ میلیارد دلار در سال ۲۰۲۲ افزایش داشته است.

بر اساس نظریه نوکار کردگرایی، کشورهای عضو اتحادیه اقتصادی اوراسیا به منظور غلبه بر محدودیتهای ملی برای رفع مشکلات، بخشی از اختیارات خود را برای کسب منافع بیشتر به یک نهاد جدید منتقل کردند. نهاد اتحادیه اقتصادی اوراسیا در صدی از خود مختاری را برای اتخاذ تصمیمات و اجرای آن بدست آورد و در طول سالهای ۲۰۱۵ تاکنون توافقها و مقررات بسیاری وضع کرد که در تحقق آن قوانین با موانعی نیز مواجه بود. از نظر نوکار کردگراها، نهادهای فراملی نقش مهمی در توسعه همگرایی دارد و در این مسیر معتقد به سرریز عملکردی است که شاخه‌های متعدد اقتصادی را شامل شده است البته در موفقیت همگرایی، عوامل سیاسی و نهادی و اجرایی متعددی نقش دارد. در مورد سرریز عملکردی، مهمترین اقدامات اتحادیه در مسیر همگرایی، رفع برخی از موانع داخلی و تجارت آزاد کشاورزی، دارو و تجهیزات پزشکی، جابجایی نیروی کار و حمل و نقل بوده است، البته اتحادیه در رفع موانع تا رسیدن به وضعیت مطلوب که در مقررات و اساسنامه اتحادیه ذکر شده با فاصله زیادی روبرو است ضمن آنکه در بخش انرژی که مهمترین دغدغه سه کشور عضو اتحادیه مانند ارمنستان، قزاقستان و بلاروس است توفیقی نداشته و در هیچ کدام از موارد ذکر شده فوق تاکنون موفق به تشکیل بازار مشترک نشده است.

ساختار مالی اتحادیه

تا سال ۲۰۲۵، مقرر بود ارز مشترک میان اعضاء ایجاد گردد اما تاکنون مقدمات آن ایجاد نشده و این نشان می دهد اراده‌ای برای ایجاد ارز مشترک در همه اعضاء وجود ندارد. تا قبل از جنگ اوکراین، بانکهای روسی از جمله ازبر بانک و سیستم پرداخت روسی میر در کشورهای عضو مورد استفاده قرار می گرفت اما پس از جنگ اوکراین و تحریمهای روسیه، بسیاری از بانکهای روسی در کشورهای عضو با مشکل مواجه و خیلی از آنها تعطیل و یا سهام آن به بانکهای محل فروخته شدند. البته برای انجام پروژههای اتحادیه، دو نهاد مالی بنام بانک توسعه اوراسیا و صندوق اوراسیا ایفای نقش می کنند: بانک توسعه اوراسیا، یک موسسه مالی بین المللی است که برای ارتقاء اقتصادی پایدار، گسترش تجارت و روابط اقتصادی میان کشورهای عضو و همچنین برای حمایت از همگرایی در اوراسیا از

طریق سرمایه گذاری تاسیس شده است. این بانک با امضاء معاهده بین‌المللی در سال ۲۰۰۶ تاسیس شد. کشورهای روسیه، ارمنستان، بلاروس، قزاقستان، قرقیزستان و تاجیکستان اعضای بانک توسعه اوراسیا هستند. سرمایه تامین شده در اساسنامه بانک بالغ بر ۷ میلیارد دلار است که شامل ۱/۵ میلیارد دلار سرمایه پرداخت شده و ۵/۵ میلیارد دلار سرمایه قابل پرداخت است (eabr, 2024). این بانک در سطح بین‌المللی فعال و در مجمع عمومی سازمان ملل عضو ناظر است و یادداشت تفاهم‌های متعددی را در زمینه همکاری با سازمان ملل و بانکهای توسعه‌ای دارد.

تمرکز بانک بر تامین مالی پروژه‌ها در دو بخش است ۱- تامین مالی پروژه‌های دارای اثر همگرایی قوی و ۲- پروژه‌های توسعه ملی. انتظار می‌رود که ارزش پروژه یا سهم بانک در پروژه‌ها بین ۳۰ تا ۳۰۰ میلیون دلار باشد؛ بطور مثال سرمایه گذاری در کربدورهای حمل و نقل که فرصت جدیدی برای تجارت ایجاد می‌کنند یا سرمایه‌گذاری در یک کارخانه‌ای که محصولات آن مورد تقاضای کل کشورهای اتحادیه اوراسیا می‌باشد و یا در بخش اقتصاد سبز و فناوری‌های نوین در اولویت است. این پروژه‌ها ۵۰ درصد سبد سرمایه‌گذاری بانک توسعه اوراسیا را تشکیل می‌دهند (eabr, 2023).

در حالی که اتحادیه یک سیستم مالی یکپارچه مانند یک اتحادیه پولی ندارد، اما از طریق هماهنگ‌سازی قوانین، دیجیتالی‌سازی و استفاده از موسسات مالی منطقه‌ای، در جهت یکپارچگی مالی بیشتر کار می‌کند.

شایان ذکر است بانک توسعه اوراسیا به طور رسمی به اتحادیه اقتصادی اوراسیا وابسته نیست و ساختار، عضویت و بدنه مدیریتی مستقلی دارد اما اهداف و جهت‌گیری به سمت همگرایی را دارد و از پروژه‌هایی حمایت می‌کند که بیشترین نتایج همگرایی را داشته باشد.

عملکرد اتحادیه اقتصادی اوراسیا در راستای همگرایی در بخشهای اقتصادی

عملکرد اتحادیه در راستای همگرایی در برخی بخشها قابل توجه است به عنوان مثال در بخش کشاورزی، کشورهای عضو اتحادیه دارای منابع قدرتمندی برای تولیدات متنوع کشاورزی هستند و فرایند یکپارچه سازی امکان ایجاد شرایط برای توسعه پایدار مجتمع

کشاورزی و صنعتی کشورها را فراهم می‌کند. به همین منظور "سیاست کشاورزی توافق شده" به دنبال توسعه یک بازار کشاورزی مشترک است. در حال حاضر با وجود چالش‌های ناشی از همه‌گیری کووید-۱۹ و تحریم‌ها، روندهای مثبتی در توسعه کشاورزی وجود دارد و رشد نسبتاً خوبی در تولید محصولات کشاورزی به ثبت رسانده و به ۱۶۶,۴ میلیارد دلار رسیده است. در سال ۲۰۲۲، سطح عرضه محصولات کشاورزی و مواد غذایی در اتحادیه به ۹۲,۶ درصد رسید. کشورهای عضو به طور کامل تقاضای داخلی برای غلات، گوشت خوک، گوشت مرغ، تخم مرغ و روغن‌های گیاهی را با تولید خود برآورده می‌کنند. طی سال ۲۰۱۹ تا ۲۰۲۲ محصولات مجتمع‌های کشت و صنعت در کشورهای اوراسیا ۱۰۵ درصد و تجارت متقابل ۳۴,۸ درصد رشد کرده است (fao.org, 2023). کشورهای اوراسیا ۹۳ درصد در تولید انواع مواد غذایی اساسی مانند غلات، گوشت، شیر و سبزیجات به خود کفایی دست یافته‌اند (eec. eaeunion, 2023).

در بخش حمل‌ونقل، اتحادیه در حال اجرای اقدامات سیستماتیک برای ایجاد زیرساخت حمل و نقل مشترک است. در این راستا، حذف سیستم مجوز برای حمل و نقل بین‌المللی کالا بین کشورهای اتحادیه و همچنین ترانزیت از طریق قلمرو اعضای اتحادیه و انتقال کنترل حمل و نقل (جاده) به مرزهای خارجی اتحادیه صورت گرفته است. با این کار یک سیاست حمل و نقل هماهنگ را با هدف تسهیل یکپارچگی اقتصادی از طریق رقابت، باز بودن، ایمنی، قابلیت اطمینان، دسترسی و مقرون به صرفه بودن را اجرا می‌کند. از طرف دیگر، اتحادیه اقتصادی اوراسیا دارای یک شبکه حمل و نقل منشعب است که می‌تواند ارتباطات بین قاره‌ای مستقیم را در سراسر قاره فراهم کند. بنابراین همکاری کشورهای آسیایی با اتحادیه حجم ترانزیت را افزایش می‌دهد و همچنین به تقویت تجارت بین تمام کشورهای اوراسیا کمک می‌کند. در آسیای مرکزی ۸۰ درصد محموله‌های تجارت خارجی، از جمله ازبکستان، از طریق کشورهای عضو اتحادیه به ویژه روسیه، قزاقستان و قرقیزستان صورت می‌گیرد (Otorbaye, 2021:18).

برنامه‌های اتحادیه برای حمل و نقل یکپارچه تا سال ۲۰۲۵، ایجاد فضای واحد اطلاعات حمل و نقل، ایجاد کریدورهای بین‌المللی و فراقاره‌ای، تضمین فرصت‌های بدون

تبعیض برای شرکتهای کشورهای عضو اتحادیه برای توسعه خدمات حمل و نقل و ایجاد و توسعه زیر ساخت کریدور شرق به غرب و شمال به جنوب است. (Otorbaye, 2021:19) روسیه برای تکمیل کریدور شمال جنوب در سال ۲۰۲۳، ساخت راه آهن رشت - آستارا را طی قراردادی بر عهده گرفت. از طرف دیگر برای توسعه بال شرقی کریدور شمال - جنوب، حدود ۱۳ کارگروه با کشورهای قزاقستان ترکمنستان و ایران برگزار نموده که منجر به امضاء نقشه راه توسعه کریدور شمال - جنوب شده است.

در راستای اجرای برنامه‌های فوق، علاوه بر لغو مجوز برای حمل و نقل بین کشورهای عضو، سیاست تعرفه‌ای برای حمل و نقل کالا از طریق راه آهن و تعرفه‌های یکسانی برای خدمات حمل و نقل ریلی کالا در اوراسیا تعیین شده است. در نتیجه آن هزینه حمل و نقل به ازای هر ۱ تن محموله بیش از ۲,۵ برابر کاهش یافته و یک محیط رقابتی برای کسب و کار برابر و دسترسی به بازار خدمات حمل و نقل و قوانین و شرایط مشترک ایجاد خواهد شد. همچنین توافقنامه کشتیرانی امضاء شده و قوانین لازم برای دسترسی صاحبان کالا به زیرساخت بنادر دریایی به تصویب رسیده است. اجرای این موافقتنامه، دسترسی به آبهای داخلی کشورهای عضو را ساده و زمان حمل و نقل را کاهش می‌دهد. کشتی‌های تحت پرچم کشورهای عضو حداکثر پس از ۱۰ روز از درخواست خود اجازه دسترسی به آبراههای داخلی قلمرو اتحادیه را دارد (eec. eaeunion, 2019: 78).

آزادی نیروی کار و مهاجرت موضوع قابل اهمیت در اتحادیه است. قبل از تشکیل اتحادیه، جابجایی نیروی کار و کارگران مهاجر در منطقه اوراسیا رواج داشت ولی کارگران مهاجر که عمدتاً به روسیه مهاجرت می‌کردند قانونی و با مجوز نبود. اما پس از تشکیل اتحادیه، نیروی کار مهاجر در داخل اتحادیه تسهیل و قانونمند شد. در سال ۲۰۲۳، حواله های کارگران مهاجر ۲۰ درصد از تولید ناخالص داخلی قرقیزستان (reliefweb,2024) و تقریباً ۷,۶۴ درصد از تولید ناخالص داخلی ارمنستان را تشکیل داده است (hetq.am,2024). بخش قابل توجهی از این حواله‌ها از روسیه است که همچنان بزرگترین منبع این جوه می‌باشد. نابرابری های سیاسی و اقتصادی کشورهای عضو باعث ناترازی مهاجرت نیروی کار از کشورهای عضو به روسیه بوده که این موضوع

مانع توسعه قوانین و اجرای آن برای حمایت از کارگران مهاجر و رفع تبعیض بر اساس اساسنامه اتحادیه است. با این وجود پس از جنگ اوکراین و اعلام سربازی اجباری از سوی دولت روسیه، بسیاری از جوانان روس برای پرهیز از حضور در جبهه های جنگ به کشورهای عضو اتحادیه مهاجرت کرده و مشغول به کار شدند.

معمولا سازمانهای اقتصادی تجارت و سرمایه گذاری را به عنوان دو فاز متوالی همگرایی پی می گیرند و دوام تجارت را با قوام سرمایه گذاری محک می زنند. در اتحادیه اقتصادی اوراسیا بدلیل اندازه متفاوت اقتصادی و سطوح مختلف توسعه اعضا، میزان سرمایه گذاری در داخل اتحادیه چشمگیر نیست و بعضا با نوساناتی مواجه شده است. نقش اصلی در سرمایه گذاری اتحادیه به عهده روسیه است چون بیشترین سرمایه گذاری را در دیگر کشورهای عضو انجام می دهد. در زمان شکوفایی اقتصادی روسیه میزان سرمایه گذاری خارجی اتحادیه روند صعودی به خود گرفت و هر زمان که قیمت بین المللی حاملهای انرژی کاهش می یابد و درآمد ارزی روسیه پائین می آید روند سرمایه گذاری خارجی اتحادیه نزولی می شود.

در اولین سال پس از تاسیس اتحادیه، میزان سرمایه گذاری مستقیم خارجی به ۲۴ میلیارد دلار بالغ شد. ولی در سالهای بعد مقداری کاهش یافت چون سرمایه گذاری شرکت های روسی در قزاقستان و بلاروس در سالهای بعد سیر نزولی گرفت که عمدتا معلول کاهش ارزش ارزهای ملی روسیه و قزاقستان بود. صرفنظر از سرمایه گذاری روسیه در بلاروس، سطح سرمایه گذاری متقابل بین کشورهای اتحادیه در سطح نازلی قرار دارد. (Ciis, 2016)

در مقابل سرمایه گذاری روسیه در کشورهای عضو اتحادیه، حجم سرمایه گذاری دیگر اعضای اتحادیه در روسیه حداکثر به دو میلیارد دلار رسید. دلایل این امر مکمل نبودن اقتصادهای اتحادیه است. روسیه و قزاقستان صادر کننده انرژی هستند. این دو کشور و بلاروس صادر کننده محصولات شیمیایی می باشند. همه اعضا نیازهای مشابهی دارند و باید به تجارت مواد اولیه و سایر کالاهای اساسی دست بزنند. اما چون نیاز بیشتری به پول دارند و منابع لازم برای سرمایه گذاری ندارند مجبور می شوند مواد مربوطه را بدون فراوری

کردن صادر کنند. همه اعضای اتحادیه واردکنندگان تکنولوژی هستند و نیاز به همکاریهای فنی با دیگر کشورها دارند (Ciis, 2016).

کشورهای عضو اتحادیه، در برابر شوک‌هایی مانند قیمت جهانی کالا و تنش‌های ژئوپلیتیک حساس و آسیب پذیر هستند. تحریم‌ها علیه روسیه، روابط تجاری در اوراسیا و با شرکای خارجی مختل کرده و چشم‌انداز سرمایه‌گذاری را پیچیده نموده است. این موضوع با جنگ اوکراین تشدید شده است. روسیه مانند گذشته قدرت مالی کافی برای سرمایه‌گذاری در این کشورها را ندارد و به نظر می‌رسد میزان سرمایه‌گذاری روسیه به نحوه چشمگیری کاهش داشته است. در آغاز جنگ روسیه و اوکراین، صندوق رفاه ملی^۱ روسیه شامل تقریباً ۹ تریلیون روبل (حدود ۱۰۲,۴ میلیارد دلار) بود؛ اما تا اوایل سال ۲۰۲۴، حدود نیمی از این صندوق به دلیل هزینه‌های مربوط به جنگ، مصرف شده است. در واقع اقتصاد روسیه در نتیجه مستقیم جنگ، بین ۱۰ تا ۱۵ درصد منقبض شده که بر توانایی آن به عنوان منبع قابل اعتماد سرمایه‌گذاری برای کشورهای اتحادیه اقتصادی اوراسیا تأثیر می‌گذارد (akm.ru, 2025). از طرف دیگر تنش‌های ژئوپلیتیکی و بی‌ثباتی اقتصادی ناشی از جنگ منجر به رویکرد محتاطانه سرمایه‌گذاران کشورهای اوراسیا نسبت به سرمایه‌گذاری‌های روسیه شده است.

انرژی موضوع بسیار مهم برای برخی از اعضای اتحادیه مانند بلاروس، قرقیزستان و ارمنستان است، ایجاد بازار مشترک انرژی در اتحادیه اقتصادی اوراسیا با چندین چالش مهم روبرو بوده است که علیرغم بحث‌ها و پیشنهادات در حال انجام، مانع از تحقق آن شده است. برخی از فاکتورها در ایجاد بازار مشترک در همه موضوعات اقتصادی و تجاری مشترک است مانند ظرفیتهای اقتصادی متفاوت کشورهای عضو اتحادیه که به صورت فاکتور چالش برانگیز نقش بازی می‌کند. پنج کشور عضو ارمنستان، بلاروس، قزاقستان، قرقیزستان و روسیه است هر کدام دارای ساختارهای اقتصادی و نیازهای انرژی متفاوتی هستند. به عنوان مثال، روسیه دارای بیشترین سهم از ذخایر نفت، گاز و معدنی است،

قزاقستان نیز دارای منابع غنی نفت، گاز و زغال سنگ است؛ در حالی که کشورهایمانند ارمنستان، بلاروس و قرقیزستان از منابع کمتری برخوردار هستند. این نابرابری باعث ایجاد عدم تعادل در قدرت و منافع مذاکره می‌شود، زیرا کشورهای غنی از منابع، ممکن است منافع اقتصادی خود را بر توافقات جمعی اولویت دهند. البته در عمل روسیه، از همان ابتدای تشکیل اتحادیه اقتصادی اوراسیا به منظور جلب عضویت کشورهای بلاروس، ارمنستان و قرقیزستان تخفیف‌های زیادی برای فروش نفت و گاز به آنها داده است ولی این موضوع منجر به تشکیل بازار مشترک انرژی نشد. از طرف دیگر سطوح مختلف توسعه در زیرساخت‌های انرژی ملی نیز می‌تواند منجر به مشارکت نابرابر در یک بازار مشترک شود. برخی از کشورها مانند قرقیزستان و ارمنستان، فاقد توانایی‌های تکنولوژیکی یا منابع مالی لازم برای مشارکت کامل در یکپارچگی انرژی هستند. در حالی که برخی از کشورها سرمایه‌گذاری هنگفتی را برای نوسازی سیستم‌های انرژی خود انجام داده‌اند، برخی دیگر همچنان بر تاسیسات قدیمی که استانداردهای عملیاتی مشترک را برآورده نمی‌کنند، متکی هستند. همچنین اتصالات ناکافی بین شبکه‌های ملی می‌تواند مانع از جریان آزاد برق در سراسر مرزها شود و ایجاد یک بازار منسجم برق در اتحادیه را دشوار کند.

فقدان یک استراتژی واحد، ایجاد بازار مشترک را به تعویق انداخته است. اتحادیه هیچ استراتژی مشخص و یکپارچه‌ای برای توسعه بازار مشترک انرژی در میان اعضا ندارد. در حالی که برنامه‌هایی برای بازارهای یکپارچه گاز، نفت و برق تا سال ۲۰۲۵ وجود دارد اما کشورهای عضو هنوز چارچوب منسجم را برای هدایت این یکپارچگی ایجاد نکرده‌اند. پیچیدگی بازارهای انرژی، مستلزم قوانین و مقررات هماهنگی است که هنوز به طور کامل توسعه نیافته یا بین کشورهای عضو توافق نشده است. تنش‌های ژئوپلیتیک و برنامه‌های سیاسی متفاوت در میان کشورهای عضو می‌تواند مانع پیشرفت شود. به عنوان مثال، روسیه یک بازیگر مسلط در پیشنهاد بازار مشترک انرژی است، اما سایر کشورها ممکن است در برابر ابتکاراتی که به نفع منافع روسیه بر منافع آنها تلقی می‌شود، مقاومت کنند.

بریکس

بریکس سازمانی مهم متشکل از کشورهای مهم در حال توسعه، بازارهای نوظهور و صاحب نفوذ بوده که با قدرت تولیدی قابل توجه و برنامه‌های توسعه قوی، تجارت خود را به سطح جهانی گسترش داده و نقش مؤثری در اقتصاد و تجارت جهانی ایفا میکنند.

روند همگرایی در بریکس

بریکس به عنوان یک سازمان بین دولتی که در ابتدا توسط برزیل، روسیه، هند و چین و پس از آن آفریقای جنوبی به منظور ایجاد یک نظم جدید در جهان و توصیف اقتصادهای نوظهور ابداع شد اکنون با پیوستن ایران، مصر، ویتنام، اندونزی، امارات متحده عربی و عربستان سعودی در دو سال گذشته به ۱۱ عضو افزایش یافت.

هر یک از اعضای موسس بریکس از اهمیت زیادی در اقتصاد جهانی برخوردارند و ادغام آنها با اعضای جدید، اعتبار زیادی را در سطح بین‌المللی برای این سازمان به همراه خواهد داشت. هر یک از اعضای انگیزه‌های مخصوص به خود را برای پیوستن به این سازمان داشته و دارند. برزیل که امسال ریاست دوره‌ای سازمان را بر عهده دارد به دنبال تقویت همکاری‌های اقتصادی با دیگر اعضا، تقویت موضع خود در مباحث جهانی مانند تغییرات اقلیمی، عدالت اجتماعی، اصلاح ساختار صلح و امنیت بین‌المللی، تنوع بخشی و توازن در روابط خود با کشورهای غربی و رهبری منطقه‌ای آمریکای لاتین است. در حالی که انگیزه روسیه تعمیق همکاری‌های اقتصادی و افزایش همبستگی سیاسی با دیگر اقتصادهای نوظهور، ارتقاء چند جانبه‌گرایی و چشم‌انداز جهان چند قطبی، حفظ استقلال در برابر تحریم‌ها، تنوع بخشیدن به بازارها و منابع، بخصوص در سالهای اخیر پس از جنگ اوکراین، روسیه بدنبال پول واحد بریکس، سیستم پرداخت جایگزین و افزایش تبادلات تجاری با ارزهای ملی کشورهای عضو است. هند بدنبال ارتقاء جایگاه جهانی خود، بهره‌برداری از فرصت‌های اقتصادی و سیاسی بریکس و تبلیغ چند جانبه‌گرایی است.

انگیزه چین جلب همکاری‌های کشورهای مهم در حال توسعه و ایجاد ساختار نزدیک به خود در سطح بین‌الملل، ارتقاء نقش خود در سطح جهانی و در راستای رقابت با آمریکا

بدنبال ایجاد پول مشترک، استفاده از سیستم پرداخت ملی می‌باشد. آفریقای جنوبی نیز به دنبال حضور موثرتر در نظام بین‌الملل، تقویت رشد اقتصادی و تنوع بخشی به روابط تجاری خود، کسب بازارهای جدید و جذب سرمایه‌گذاری است. افزایش اهمیت بریکس باعث درخواست کشورهای در حال توسعه به آن شد و چهل کشور درخواست پیوستن به سازمان را دادند. اما در اجلاس ۲۰۲۳ سران بریکس در ژوهانسبورگ از ایران، آرژانتین، اتیوپی، عربستان سعودی، امارات متحده عربی، مصر دعوت نمود تا از سال ۲۰۲۴ به عضویت سازمان درآیند.

اهداف اصلی بریکس ارتقاء روابط چندجانبه، همکاری در زمینه‌های سیاسی و امنیتی، گسترش و حفظ صلح و امنیت جهانی، رشد اقتصادی و توسعه پایدار می‌باشد. موافقت نامه بریکس در صدد همگرایی میان اعضاء می‌باشد و بدین منظور مکانیسم‌های مختلفی در نظر گرفته است.

شرایط الحاق به بریکس به طور رسمی اعلام نشده است. اما بر اساس روند عضویت‌های قبلی و اظهارات مقامات، چند معیار کلیدی برای پذیرش اعضاء جدید وجود دارد از جمله: اقتصاد قوی و در حال رشد، تعهد به چندجانبه‌گرایی و توسعه مشترک، توانایی شرکت در پروژه‌های مشترک، قدرت صنعتی و تولیدی مناسب؛ تأمین تقاضای داخلی، امکانات صادرات و واردات قوی؛ دادن بازار برای سایر شرکا؛ ثبات سیاسی و امنیتی و داشتن آمادگی برای حل اختلافات و مناقشات از طریق راه‌حل‌های صلح‌آمیز می‌باشد.

در اجلاس سالانه بریکس در کازان روسیه، اعلام شد که از اول ژانویه ۲۰۲۵، کشورهای بلاروس، ازبکستان، بولیوی، اوگاندا اندونزی، کوبا، تایلند، مالزی و قزاقستان رسماً به عنوان شرکای بریکس شناخته می‌شوند. این کشورها در چارچوب همکاری‌های سیاسی و اقتصادی با این سازمان مشارکت می‌کنند و فرصت ارائه پیشنهادات و ابتکارات خود را دارند ولی در فرایند تصمیم‌گیری از حق رای برخوردار نیستند. (business-standard, 2025)

چارچوب حقوقی همگرایی در بریکس

طبق نظریه نوکارکردگرایی که نهاد را به عنوان یک مقررماندهی برای تحقق اهداف جمعی ضروری می‌داند و آن را یک پیش شرط برای همکاری و همگرایی میان کشورها در نظر می‌گیرد، بریکس، نهادی متشکل از ارکان منسجم و سازمان یافته‌ای مانند اتحادیه اقتصادی اوراسیا نیست، اما در این سازمان گروه‌های کاری چهارگانه اقتصادی، امنیتی، دیپلماسی و فناوری اطلاعات وجود دارد که موضوعات تخصصی را مورد بررسی قرار می‌دهند. هر کشور بر اساس منافع خود در تصمیم‌گیری‌ها شرکت می‌کنند ولی پس از تصویب تصمیمات، کشورها موظف به اجرای آنها هستند. لازم به ذکر است تصمیمات مهم و تاثیرگذار با توافق کشورهای عضو و بصورت اجماع صورت می‌گیرد. حفظ اجماع بدلیل منافع و اولویتهای ملی متفاوت می‌تواند چالش برانگیز باشد به ویژه که این سازمان اعضاء خود را افزایش داده و همچنان در حال گسترش می‌باشد.

اجزای کلیدی چارچوب قانونی بریکس حقوق بین‌الملل است. فعالیت‌های بریکس بر اساس اصول مندرج در حقوق بین‌الملل، از جمله آنهایی که در منشور سازمان ملل ذکر شده است، اداره می‌شود. این گروه یکجانبه‌گرایی را رد می‌کند و بر چندجانبه‌گرایی به عنوان سنگ بنای چارچوب قانونی و عملیاتی خود تاکید می‌کند. اگر چه در بریکس حقوق بین‌الملل چارچوب حقوقی آن را تشکیل می‌دهد اما در اتحادیه اقتصادی اوراسیا، اساسنامه و ضوابط آن نقشه راه اتحادیه را ترسیم می‌کند. هر چند که اساسنامه در برگیرنده حقوق بین‌الملل و بسیاری از قوانین سازمان تجارت جهانی است و حتی در اساسنامه بارها بر اقدامات در چارچوب حقوق بین‌الملل تاکید شده است.

این سازمان از طریق اعلامیه‌ها و موافقت‌نامه‌ها، بیانیه‌های مشترک، یادداشت تفاهم‌ها، چارچوب‌ها و توافق‌نامه‌ها را طی اجلاس‌ها تصویب می‌کنند. (Luzina and colleagues, 2016, 170) این اسناد اهداف و مکانیسم‌های مشترک برای همکاری را مشخص می‌کند. به عنوان مثال می‌توان به بیانیه دهلی (۲۰۱۲)، اعلامیه تاسیس شورای اتاق‌های فکر ۲۰۱۳، معاهده تاسیس صندوق توسعه احتیاطی ذخیره ۲۰۱۴، توافق در باره تاسیس بانک نوین توسعه ۲۰۱۴، شبکه دانشگاهی بریکس ۲۰۱۵، موافقت‌نامه همکاری بریکس در زمینه امور فرهنگی ۲۰۱۵، به برنامه عمل بریکس برای همکاری‌های نوآورانه

با چین ۲۰۱۶، اعلامیه تاسیس اتحادیه زنان کارآفرین بریکس ۲۰۲۰ و مقررات همکاری بین کمیته‌های همکاری گمرکی و یادداشت تفاهم همکاری متقابل موسسات دیپلماتیک اشاره کرد. بریکس همچنین سه موافقت‌نامه تجاری با اتحادیه اروپا، اتحادیه اقتصادی اوراسیا و سازمان همکاری شانگهای منعقد و با صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی به امضا رسانده است. همکاری در مبارزه با تروریسم، ابتکارات ضد فساد، قاچاق مواد مخدر فراملی و آزادسازی اقتصادی موضوعات دیگری هستند که توسط چارچوب‌های قانونی تصویب شده و در اجلاس سران حمایت می‌شوند (brics. utoronto, 2023). این مدل با آنچه که در اتحادیه اقتصادی اوراسیا شاهد هستیم متفاوت است، در اتحادیه برای هر موضوعی تفاهمات در شورای عالی اقتصادی اتخاذ، در شورای بین‌حکومتی ترسیم و در کمیسیون مشترک اجرا و نظارت می‌شود. در واقع اتخاذ تصمیمات و مقررات از سطح عالی اتحادیه شروع و در سطوح پایین‌تر عملیاتی و اجرایی می‌گردد و تخلفات در کمیسیون و نهان دادگاه اتحادیه مورد بررسی و تصمیم‌گیری قرار می‌گیرد.

۳-۴. سیاستهای اقتصادی و تجاری بریکس

بریکس در مقایسه با اتحادیه اقتصادی اوراسیا، بخش قابل توجهی از تولید ناخالص داخلی، تجارت و جمعیت جهان را تشکیل می‌دهد. براساس آمار بانک جهانی سهم بریکس از تولید ناخالص جهان که در سال ۲۰۱۰ برابر ۱۸٪ بود با رشد مداوم سالانه در ۲۰۲۱ به ۲۶٪ افزایش یافت و با ورود شش عضو جدید پیش‌بینی می‌شود کل تولید ناخالص بریکس به ۳۰ تریلیون دلار در ۲۰۲۵ برسد. در حالی که سهم اتحادیه اقتصادی اوراسیا از تجارت، تولید ناخالص داخلی و جمعیت کمتر از دو نیم درصد است؛ بریکس با ۴۵ درصد جمعیت، ۳۰ درصد تولید ناخالص داخلی و ۲۴ درصد تجارت، ۳۹ درصد تولیدات صنعتی جهان است که مبادلات تجاری، اقتصادی، سیاسی و امنیتی جهان را تحت تاثیر قرار داده است. در واقع جمعیت چین، هند و برزیل بازار مصرف قابل توجهی را از بریکس به جهان ارائه داده است که ظرفیت بالا را در مبادلات تجاری نشان می‌دهد. بدلیل وجود چین و هند که به کارخانه‌های تولید جهان معروف هستند ظرفیت تولیدی بریکس برای تامین

نیازهای کالاهای صنعتی کشورهای دنیا را افزایش داده است. حضور چین به عنوان بزرگترین ملت تاجر دنیا وزن تجاری شکل را قابل توجه می‌کند، اما جدایی از چین که ۱۵٪ تجارت جهان و رهبری آن را در اختیار دارد، حضور بقیه اعضای بریکس در تجارت جهانی چندان چشمگیر نیست و مکانهای بعدی به روسیه با ۱,۹ درصد، امارات ۱,۷ درصد و هند ۱,۶ درصد از تجارت بین‌الملل در مکانهای شانزدهم، نوزدهم و بیست و یکم می‌رسند (unctad, 2023).

همگرایی تجاری

با وجود آنکه که بسیاری از سازمانهای اقتصادی منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای روند همگرایی خود را معمولاً با یک قرارداد تجارت ترجیحی یا آزاد تعمیق می‌بخشند، اما اعضاء بریکس با وجود آنکه از وزنه تجاری، تولیدی و جمعیتی غیر قابل مقایسه‌ای با اتحادیه اقتصادی اوراسیا برخوردار گشته ولی هنوز نه تنها اتحادیه گمرکی ایجاد نکرده بلکه هیچ قرارداد تجارت آزاد تجارت ترجیحی میان آنها منعقد نگردیده است. در حالیکه اتحادیه اوراسیا علاوه بر آنکه در چارچوب نهادی همه ارکان را فراهم آورده و کمیسیون اقتصادی به عنوان نهاد اجرایی اتحادیه به اهداف همگرایانه کمک می‌کند و اتحادیه گمرکی را برای تسهیل تجارت ایجاد نموده است. در بریکس خبری از مقررات همگرایانه برای بازار مشترک کشاورزی، صنعت، انرژی، برق، جابجایی نیروی کار، حمل‌ونقل و سایر موضوعات اقتصادی وجود ندارد.

هر چند که بریکس حتی یک قرارداد تجارت واحد ندارد، اما به واسطه موافقتنامه‌های دوجانبه و چندجانبه سعی کرده است توسعه تجارت و همکاری‌های اقتصادی بین کشورهای عضو را تحت تاثیر قرار دهد. البته در سال ۲۰۱۶ کشور چین، عقد یک موافقت نامه تجارت آزاد را به سایر اعضاء پیشنهاد داد که هنوز در حال بررسی توسط اعضا می‌باشد. علت این امر، بیشتر بدلیل نگرانی سایر اعضاء قدرتمند اتحادیه، به ویژه هند و روسیه، از تفوق و برتری چین در این سازمان و تاثیر آن بر روابط دوجانبه اعضای بریکس با آمریکا و اتحادیه اروپا است. چین محور اصلی تبادلات اقتصادی میان اعضاء است و

افزایش چشمگیر روابط تجاری بین اعضاء عمدتاً به روابط دو جانبه هر یک از اعضاء با چین می‌باشد و اگر چه تقویت چندجانبه‌گرایی و مخالفت با یک جانبه‌گرایی آمریکا جزء اهداف چین محسوب می‌شود اما آن کشور نیز مانند سایر اعضاء به گونه‌ای عمل می‌کند که در تقابل با غرب قرار نگیرد.

سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی

کشورهای عضو بریکس جزء کشورهای سرمایه‌پذیر و سرمایه‌گذار در دنیا بحساب می‌آیند. چین، هند، روسیه و برزیل از اعضای مؤسس و عربستان سعودی و امارات متحده عربی دو اقتصاد بزرگ جهان عرب از اعضای جدید بریکس از کشورهای سرمایه‌گذار در جهان هستند. در مطالعه صندوق بین‌المللی پول، ورودی سرمایه به کشورهای عضو بریکس از ۸۴ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۱ به ۳۵۵ میلیارد دلار در سال ۲۰۲۱ رسیده و سهم آن در سرمایه‌گذاری جهانی در برهه مشابه از ۱۱ به ۲۲ درصد بالغ شد، اما بحران مالی بین‌المللی و سپس بحران کرونا سرمایه به منطقه بریکس با کندی مواجه کرد. در دوره کرونا، کشور چین که از رشد سالانه ۱۰ درصد، روسیه و هند که در دهه اول قرن به ترتیب از رشد سالانه ۳۰ درصد و ۲۰ درصد برخوردار بودند ورودی سرمایه‌اشان نزدیک به صفر شد. برزیل از سال ۲۰۱۵ ورودی سرمایه‌اش رو به افزایش است. آفریقای جنوبی که در دهه اول قرن رشد منفی سرمایه‌گذاری خارجی را تجربه کرده بود در برهه ۲۰۲۱ از رشد سالانه ۲۵٪ در ورودی سرمایه برخوردار گردید. به صورت کلی بریکس موفق شد ورود سرمایه خود را از ۲٫۱ تریلیون دلار در پایان قرن بیستم به ۳٫۹ تریلیون دلار در سال ۲۰۲۲ برساند که موفقیت قابل توجهی در اقتصاد جهانی به حساب می‌آید (IMF, 2022).

این میزان سرمایه‌گذاری و نقش بریکس در سرمایه‌گذاری در جهان قابل مقایسه با اتحادیه اقتصادی اوراسیا نیست. اما مانند بریکس که چین صادرکننده اصلی سرمایه در کشورهای عضو است روسیه نیز در میان سایر کشورهای عضو اتحادیه نیز صادرکننده اصلی سرمایه می‌باشد.

ساختار مالی بریکس

ساختار مالی بریکس متشکل از بانک توسعه بریکس یا بانک نوین توسعه، ترتیبات اندوخته احتیاطی،^۱ ارز بریکس^۲ و نظام ثبت پرداختهای بین‌المللی^۳ می‌باشند. اقتصادهای نوظهور و صاحبان منابع طبیعی بزرگ بریکس با وجود بانک نوین توسعه توانستند در تصمیم‌سازی‌های پولی و توسعه‌ای خود تأثیر بیشتری را داشته باشند.

بانک نوین توسعه بریکس

بانک نوین توسعه بریکس که قبلاً به عنوان بانک توسعه بریکس شناخته می‌شد نشان دهنده گامی مهم به سمت ایجاد یک معماری مالی جهانی فراگیر است که نیازهای اقتصادهای نوظهور را در اولویت قرار می‌دهد و در عین حال در صدد ارتقاء پایداری و رشد عادلانه می‌باشد این بانک یک موسسه مالی چند جانبه است که توسط موسسین بریکس در سال ۲۰۱۴ به منظور حمایت از پروژه‌های زیرساختی و توسعه پایدار در کشورهای عضو و سایر اقتصادهای نوظهور تأسیس شده است. دفتر مرکزی آن در شانگهای است و متشکل از کشورهای عضو بریکس می‌باشد. در واقع اولویت سرمایه‌گذاری این بانک بر روی انرژی پاک و تجدید پذیر، زیرساختهای حمل و نقل، مدیریت آب و توسعه شهری است. این بانک کاهش وابستگی به سیستم مالی غرب و دلارزدایی و همچنین تجارت با ارزهای محلی را تشویق می‌کند و از ایجاد شغل و رقابت در کشورهای عضو حمایت می‌نماید. تاکنون بیش از ۳۴ میلیارد دلار برای بیش از ۱۰۰ پروژه تصویب شده است. سرمایه مجاز بانک در ابتدا ۵۰ میلیارد دلار بود که تاکنون به ۱۰۰ میلیارد دلار بالغ شده و سرمایه مشترک آن ۵۰ میلیارد دلار می‌باشد که بصورت برابر میان اعضاء توزیع شده است. اعضاء موسس بریکس هر کدام باید ۲۰ درصد از سرمایه بانک را تامین کنند و اعضای جدید نیز باید در این زمینه مشارکت نمایند. بزرگترین سهام داران بانک چین، هند و روسیه هستند. مصر، امارات متحده عربی و

1 New Development Bank (NDB)
2 Contingent Reserve Arrangement (CRA)
3 BRICS Currency
4 International Transaction Registration (ITR)

بنگلادش اعضای جدید بانک نوین توسعه هستند. بانک توسعه بریکس منابع مالی قابل توجهی دارد تا کنون ۳۹ میلیارد دلار تامین مالی و ۱۲۰ پروژه تصویب شده است (ndb.int, 2024).

برخی از مهم‌ترین پروژه‌هایی که توسط بانک توسعه بریکس پشتیبانی شده است عبارتند از: الف) پروژه‌های انرژی پاک و تجدیدپذیر شامل نیروگاه‌های خورشیدی، بادی، هیدروالکتریک و سایر منابع انرژی پاک در کشورهای عضو و سایر مناطق (ب) پروژه‌های حمل و نقل شامل بهبود زیرساخت‌های جاده‌ای، راه آهن و ترابری عمومی در کشورهای عضو بریکس. ج) پروژه‌های آب و فاضلاب در حوزه بهبود زیرساخت‌ها شامل ساخت و بهبود شبکه آب و فاضلاب شهری، تصفیه خانه‌های آب و فاضلاب و بهره‌برداری از منابع آبی و د) پروژه‌های ارتباطات و فناوری شامل توسعه زیرساخت‌های ارتباطی، دسترسی به اینترنت و تکنولوژی‌های نوین می‌باشد (Sarkar, 2016; 309).

پروژه‌هایی که در نهادهای مالی بریکس و اتحادیه اقتصادی اوراسیا اجرا می‌شوند کمابیش در زمینه‌های حمل و نقل و پروژه‌هایی عام و مورد نیاز میان اعضاء می‌باشد. اما از نظر سرمایه‌گذاری متفاوت هستند در حالیکه بانک توسعه نوین در بریکس سرمایه مجاز ۱۰۰ میلیارد دلار دارد بانک توسعه اوراسیا مبلغ ۷ میلیارد دلار سرمایه قابل پرداخت دارد.

سیستم پرداخت بریکس

اعضای بریکس برای استقلال از ارزهای برتر در جامعه جهانی، مکانیسم همکاری بین بانکی بریکس برنامه پرداخت‌ها را در سال ۲۰۱۰ ایجاد و در طی سالها بعد در حال توسعه بوده و به طور رسمی در مجمع تجاری بریکس در مسکو در سال ۲۰۱۹ راه‌اندازی شد. این سیستم یک پلتفرم نوآورانه و دیجیتالی است که توسط کشورهای عضو بریکس (برزیل، روسیه، هند، چین، و آفریقای جنوبی) با هدف تسهیل تراکنش‌های مالی و فرامرزی میان اعضاء با ارزهای محلی و کاهش وابستگی به زیرساخت‌های مالی سنتی غربی مانند سوئیفت و دلار آمریکا ایجاد شد. این سیستم از فناوری بلاکچین، کیف پول دیجیتال و

پرداختهای مبتنی بر کد QR بهره می‌برد و دارای سیستم پیام‌رسان غیر متمرکز است. بریکس پی مشابه سوئیفت، اما به صورت غیر متمرکز و مستقل عمل می‌کند و امکان ارسال پیام‌های پرداخت و تسویه مالی را میان بانکها و موسسات مالی کشورهای عضورا فراهم می‌کند. بانک‌های توسعه‌ای کشورهای عضو با امضاء تفاهم نامه‌های همکاری، بستر لازم برای تامین مالی پروژه‌های سرمایه‌گذاری مشترک و تسویه پرداخت‌ها را با ارزهای محلی ایجاد می‌کنند (brics-pay, 2024).

استفاده آمریکا از سلاح دلار بر علیه رقبای تجاری خود، تحریم‌های بانکی روسیه، تلاش عربستان سعودی برای افزایش بازیگری در نظام بین‌الملل و اعلام عضویت در این سازمان، رقابت تجاری چین و آمریکا، انگیزه کافی برای ایجاد یک ارز واحد فراهم نموده است. در سال ۲۰۲۴ که روسیه ریاست دوره‌ای بریکس را بر عهده داشت از شرکای خود خواست برای مقابله با فشار سیاسی کشورهای غربی جایگزینی برای صندوق بین‌المللی پول ایجاد کنند. آنتون سیلوانوف، وزیر دارایی روسیه نیز با انتقاد از تسلط سیستم مالی جهانی توسط کشورهای غربی و با اشاره به اینکه بریکس که ۳۷ درصد از اقتصاد جهانی را تشکیل می‌دهد، بر ایجاد جایگزین تاکید نمود.

موضوع ارز مشترک در اتحادیه اقتصادی اوراسیا، یکی از اهداف سال ۲۰۲۵ بوده است. در واقع پیش‌بینی شده بود که در سال ۲۰۲۵، اعضای اتحادیه ارز مشترک را ایجاد نمایند. اما برخی کشورهای عضو مانند قزاقستان تاکنون با آن موافقت نکرده و لذا اتحادیه هنوز برای دستیابی به ارز مشترک ناکام مانده است.

صندوق ذخیره احتیاطی^۱

صندوق ذخیره احتیاطی بریکس یک مجموعه ذخیره چندجانبه و خودمدیریتی است که با ارائه پشتیبانی نقدینگی از طریق مبادلات ارزی، به کشورهای عضو کمک می‌کند تا بحران‌های کوتاه‌مدت تراز پرداخت‌ها را مدیریت کنند. این ترتیبات ثبات مالی را در

بریکس افزایش می‌دهد، وابستگی به نهادهای تحت رهبری غرب را کاهش می‌دهد و همکاری بین اقتصادهای نوظهور را تقویت می‌کند.

هدف صندوق ارائه یک شبکه ایمنی در برابر فشارهای نقدینگی جهانی، مانند بحران‌های ارزی یا خروج ناگهانی سرمایه که بر ارزهای ملی کشورهای عضو تأثیر می‌گذارد می‌باشد همچنین اقتصادهای نوظهوری که دست به آزاد سازی سریع اقتصادی می‌زنند دچار نوسانات زیادی می‌شوند که این ترتیب احتیاطی سعی دارد در این شرایط ثبات مالی را بین اعضای بریکس تقویت کند.

سرمایه متعهد شده میان اعضاء موسس بریکس شامل: چین، ۴۱ میلیارد دلار، برزیل ۱۸ میلیارد دلار، روسیه ۱۸ میلیارد دلار، هند ۱۸ میلیارد دلار، آفریقای جنوبی ۵ میلیارد دلار است. این مجموعه سرمایه به اعضا اجازه می‌دهد تا سقف مشخصی، درخواست کمک مالی کنند، آفریقای جنوبی می‌تواند تا دو برابر سهم خود دسترسی داشته باشد، در حالی که چین می‌تواند تا نیمی از سهم خود را درخواست کند. (Cattane & B iziwick, 2015, 1-7)

سازوکار اصلی این صندوق، سوآپ نقدینگی بانک مرکزی است که در آن کشورهای وام‌دهنده، دلار آمریکا را با نرخ‌های لحظه‌ای به بانک مرکزی کشور وام‌گیرنده می‌فروشند و باز خرید می‌کنند و نرخ بهره از پیش تعیین شده‌ای را به دلار دریافت می‌کنند. این ترتیب سوآپ، پشتیبانی سریع از نقدینگی را بدون اینکه کشور وام‌گیرنده فوراً ذخایر خارجی خود را تخلیه کند، تسهیل می‌کند. تا ۳۰٪ از حداکثر مبلغی که یک کشور می‌تواند درخواست کند، بدون هیچ شرطی در دسترس است. دسترسی فراتر از این نیاز به توافق با صندوق بین‌المللی پول دارد که صندوق ذخیره احتیاطی را به چارچوب‌های مالی بین‌المللی موجود متصل و در عین حال استقلال خود را حفظ می‌کند. در واقع این نهاد یک سازوکار همکاری جنوب-جنوب است که با هدف ارائه منبع جایگزین پشتیبانی مالی متناسب با نیازهای اقتصادهای نوظهور انجام می‌شود.

ثبات حواله‌های خارجی

یک سال پس از تاسیس، بریکس در صدد ایجاد نظام ثبت پرداختهای بین‌المللی خاص خود برآمد تا بتواند جایگزین سامانه سوئیفت^۱ نموده و خود را از مخاطرات احتمالی دور نگه دارد. چین و روسیه اقداماتی را در این زمینه انجام داده بودند تا تسویه حساب‌های بین‌المللی را با ارزهای ملی خودشان انجام دهند. چین قبلاً اقدام به توسعه نظام پرداخت جایگزین سوئیفت برای خود کرده بود.^۲ این نظام یک سیستم پرداخت بین بانکی و بین مرزی است که به مؤسسات مالی در سراسر جهان امکان می‌دهد اطلاعات مربوط به تراکنش‌های مالی را به صورت ایمن، استاندارد و قابل اعتماد ارسال و دریافت کنند. هند نیز دارای سیستمی به نام نظام پیام‌رسانی ساختاریافته مالی^۳ برای خود است. روسیه دارای سیستم انتقال پیام‌های مالی^۴ و برزیل دارای سیستم پرداخت آنی است بانک مرکزی روسیه مشورت‌هایی را با دیگر کشورهای بریکس برای ایجاد نظام پرداخت جایگزین سوئیفت باشد را آغاز کرد تا در صورت بروز اختلال در نظام سوئیفت پرداخت‌های بین‌المللی اعضا متوقف نگردد. تحولاتی مانند جنگ تعرفه‌ای بین آمریکا و چین و یا تحریم روسیه توسط آمریکا پس از تجاوز آن کشور به اوکراین و اخراج از سوئیفت نشان داد دغدغه اعضای بریکس صحیح بوده و ضرورت ایجاد نظام مستقل پرداخت‌های بین‌المللی را بیش از قبل به رخ کشید.

موافقت نامه تجاری بریکس و اتحادیه اقتصادی اوراسیا

اتحادیه اقتصادی اوراسیا به عنوان بخشی از دستور کار بین‌المللی خود برای سال ۲۰۲۵، به طور فعال در حال توسعه همکاری‌های تجاری و اقتصادی با کشورهای عضو بریکس است. در حالی که هیچ توافق نامه جامع تجارت آزاد کاملاً نهایی شده‌ای با عنوان توافق نامه تجاری اتحادیه اقتصادی اوراسیا و بریکس وجود ندارد و فقط یک توافق همکاری و گفتگو میان دو طرف وجود دارد، اتحادیه تعمیق گفتگو و همکاری با اعضای بریکس در

1 Society for World Interbank Financial Transactions (SWIFT)

2 China International Payment System (CIPS)

3 Structured Financial Messaging System (SFMS)

4 System for Transfer of Financial Messages

5 Pago Instantaneo (PIX)

بخش‌های تجاری، صنعتی و اقتصادی را در اولویت قرار می‌دهد. اتحادیه در سال ۲۰۲۴ اعلام کرد که قصد دارد یک قالب بحث منظم با کشورهای عضو بریکس با تمرکز بر توسعه صنعتی و همکاری اقتصادی با هدف قرار دادن اتحادیه به عنوان یک قطب اقتصادی مهم در سطح بین‌المللی و تعمیق روابط اقتصادی واقعی ایجاد کند. البته اتحادیه با برخی از اعضای بریکس یا شرکای نزدیک آنها، توافق‌نامه‌های تجارت آزاد امضا کرده یا در حال مذاکره است با چین یک توافقنامه تجاری فعال دارد با ایران توافقنامه تجارت آزاد دارد که در اخیرا به اجرا رسیده است.

مذاکرات با هند، یکی دیگر از اعضای بریکس، در حال انجام است یا انتظار می‌رود که انجام شود، گزارش‌ها حاکی از آن است که هند به طور جدی در حال بررسی یک توافقنامه تجارت آزاد با اتحادیه اقتصادی اوراسیا است که از نظر استراتژیک با منافع هند مانند بندر چابهار در ایران مرتبط است.

همکاری تجارت اتحادیه اقتصادی اوراسیا با کشورهای بریکس در حال افزایش است و پتانسیل بالایی برای رشد بیشتر دارد. تجارت کالا با کشورهای بریکس در سال ۲۰۲۳ از ۳۵۹ میلیارد دلار فراتر رفت که نسبت به سال ۲۰۲۲، ۲۶ درصد و نسبت به سال ۲۰۱۵ (زمانی که پیمان اتحادیه اقتصادی اوراسیا لازم‌الاجرا شد) ۳,۷ برابر افزایش یافته است. سهم کشورهای بریکس در تجارت خارجی کشورهای اتحادیه اقتصادی اوراسیا در سال ۲۰۲۳ تقریباً دو برابر سال ۲۰۲۱ بوده است (eec. eaeunion, 2024). برقراری رابطه تجاری و توافق همکاری میان بریکس و اتحادیه اقتصادی اوراسیا بیش از هر چیز نشان دهنده تمایل روسیه به برقراری رابطه میان این دو سازمان می‌باشد. وجود چالش‌های مشابه از یک طرف تحریم‌های روسیه توسط کشورهای غربی و از طرف دیگر جنگ تعرفه‌ای چین و آمریکا، نیازمند تعیین اهداف یکسان برای دستیابی به توسعه پایدار و حمایت متقابل اقتصادی در برنامه‌های دو سازمان برای تعمیق روابط اعضای دو سازمان است. تعامل بین دو سازمان اقتصادی که از کشورهای بزرگ در حال توسعه تشکیل شده باعث اثرگذاری بیش از پیش در اقتصاد جهانی و توسعه اقتصادی آنها می‌شود.

مقایسه تطبیقی دیپلماسی اتحادیه اقتصادی اوراسیا و بریکس ... ۱۰۱

در هر حال برنامه فعالیت بین‌المللی اتحادیه اقتصادی اوراسیا برای سال ۲۰۲۵ بر همکاری با کشورهای بریکس در کنار سایر مناطق جهانی مانند آفریقا و آمریکای لاتین تأکید دارد و هدف آن افزایش اتصال حمل و نقل، تسهیل تجارت و شرایط تجاری مطلوب برای کشورهای عضو اتحادیه اقتصادی اوراسیا در فعالیتهای اقتصادی خارجی، همچنین ایجاد شرایط مناسب و جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشورهای عضو، تقویت همکاری در زمینه‌های مالی و بانکی، و از نظر گمرکی، تسهیل و افزایش هماهنگی در فرآیندهای گمرکی و تسهیل تردد کالاها در مرزها است ضمن آنکه ترویج همکاری در زمینه‌های صنعتی، تبادل فناوری و همکاری در تحقیق و توسعه و توسعه بخش کسب و کارهای کوچک و متوسط با فراهم کردن زمینه‌های مناسب برای رشد و توسعه آنها از انگیزه‌های دیگری است که اتحادیه در ارتباط با بریکس دنبال می‌کند.

سایر اقدامات بریکس در مسیر همگرایی

این بلوک در حال تلاش برای همکاری و هماهنگی بیشتر در بخش انرژی است. جنبه‌های کلیدی همکاری انرژی عبارتند از: نقشه راه برای همکاری انرژی در سال ۲۰۲۰، با هدف ایجاد یک مشارکت استراتژیک در بخش انرژی تصویب کرد. این طرح در فازهایی اجرا می‌شود و بر تحقیقات، هماهنگی سیاست‌ها و همکاری‌های فناورانه تمرکز دارد. بحث‌هایی در مورد ایجاد یک مرکز عالی آفریقایی بریکس در مورد انتقال انرژی عادلانه برای حمایت از تحقیقات و اطلاع‌رسانی در زمینه سیاست‌گذاری وجود دارد. در حالی که این ابتکارات نشان دهنده پیشرفت به سمت همکاری انرژی است، بریکس هنوز یک سیستم یا بازار انرژی کاملاً یکپارچه ندارد. این همکاری به جای ایجاد یک زیرساخت انرژی واحد یا چارچوب نظارتی، بر تحقیقات، هماهنگی سیاست‌ها و اشتراک فناوری متمرکز است (wang youming, 2024).

ادغام انرژی در بریکس با چالش‌های متعددی مواجه است که ناشی از عوامل ساختاری، ژئوپلیتیکی و اقتصادی است. بریکس شامل صادرکنندگان بزرگ انرژی (به عنوان مثال، روسیه، عربستان سعودی، برزیل) و مصرف‌کنندگان بزرگ انرژی (مانند چین،

هند) است. این اولویت‌های متفاوت، صادرات در مقابل تامین واردات مقرون به صرفه، هماهنگ کردن سیاست‌های انرژی و ایجاد یک استراتژی واحد را دشوار می‌کند. برای مثال، در حالی که هدف صادرکنندگان به حداکثر رساندن درآمد است، واردکنندگانی مانند چین و هند بر تامین منابع انرژی پایدار و مقرون به صرفه تمرکز می‌کنند. تنش‌های ژئوپلیتیک مانند تحریم‌های روسیه و موضع‌گیری‌های متفاوت در مورد مسائل جهانی، موانعی را برای همکاری ایجاد می‌کنند. به عنوان مثال، صادرات انرژی روسیه با تحریم مواجه است، در حالی که چین و هند در برابر پیوستن به ائتلاف‌های غربی مانند سقف قیمت نفت روسیه مقاومت می‌کنند. این تنش‌ها تلاش‌ها برای ایجاد سیاست‌ها یا مکانیسم‌های یکپارچه برای یکپارچه سازی انرژی را پیچیده می‌کند. همچنین این بلوک از ناکارآمدی‌های رایج در مکانیسم‌های چندجانبه بزرگ مانند «اعضای بیشتر، اجماع کمتر» و «ابتکارات بیشتر، اجرای کمتر» رنج می‌برد. این امر هماهنگی استراتژی‌های پیچیده انرژی را دشوار می‌کند. باید توجه کرد که بریکس، بر خلاف سایر بلوک‌ها مانند اتحادیه اروپا و اتحادیه اقتصادی اوراسیا، فاقد نهادهای متمرکز (به عنوان مثال، یک دبیرخانه یا نهاد نظارتی) برای نظارت بر تلاش‌های یکپارچه سازی انرژی است. این غیبت هماهنگی و اجرای پروژه‌های مشترک انرژی را محدود می‌کند. اتحادیه اقتصادی اوراسیا نیز مانند بریکس با مشکلاتی برای ایجاد بازار مشترک انرژی مواجه است. در اتحادیه هم دو گروه صادرکننده انرژی و واردکننده انرژی وجود دارند که منافع متفاوتی را دنبال می‌کنند. این موضوع در کنار فاکتورهای دیگر مانند عدم توسعه یافتگی در بخش پالایشگاهی و سرمایه‌گذاری در این زمینه در برخی کشورهای عضو اتحادیه مانند قرقیزستان و ارمنستان به مانعی تبدیل شده است.

کشورهای عضو بریکس برخلاف اتحادیه اقتصادی اوراسیا که جریان حرکت نیروی کار در آنجا آزادانه است، سیاست‌های ویزا به طور قابل توجهی در بین کشورهای عضو متفاوت است و اغلب تحت تأثیر توافقات دوجانبه است. بیانیه لم^۱ که در پایان نشست

مقایسه تطبیقی دیپلماسی اتحادیه اقتصادی اوراسیا و بریکس ... ۱۰۳

وزیران کار کشورهای بریکس در دوربان آفریقای جنوبی ۲۰۲۳ صادر شد چهار اولویت را برای اقدام از جمله: ترویج حقوق کار برای همه و کاهش کسری کار مناسب. تضمین دسترسی همگانی به حمایت اجتماعی و حداقل درآمد پایه؛ ترویج کار شایسته و رفع شکاف مهارتی در اقتصاد غیررسمی؛ و ایجاد شرکت‌های پایدار و نوآوری مشخص می‌کند. این اعلامیه از ایجاد یک اکوسیستم بهره‌وری بریکس برای پلتفرم کار شایسته با هدف تقویت همکاری در بلوک بریکس و تقویت رشد اقتصادی، شرکت‌های پایدار، ایجاد اشتغال مولد و کاهش فقر استقبال می‌نماید (stimson, 2023).

اگرچه هر دو نهاد بریکس و اتحادیه اقتصادی اوراسیا با هدف تقویت همکاری‌های منطقه‌ای و جهانی و چند جانبه‌گرایی تأسیس شده‌اند، اما در مسیر تحقق اهداف، تفاوت‌های بنیادینی در ساختار، عملکرد و ابزارهای اجرایی دارند.

در حوزه نهادگرایی، اتحادیه اقتصادی اوراسیا دارای ساختارهای منسجم و سلسله‌مراتبی است که شامل شورای عالی اقتصادی، شورای بین‌دولتی، کمیسیون اقتصادی و دادگاه است این ساختارها امکان تصمیم‌گیری و اجرای سیاست‌های مشترک را فراهم کرده‌اند. در مقابل، بریکس فاقد ساختار حقوقی الزام‌آور بوده و بیشتر بر مبنای همکاری‌های داوطلبانه و بیانیه‌ها و یادداشت تفاهات فعالیت می‌کند. در سیستم مالی، اتحادیه اقتصادی اوراسیا علیرغم تلاش برای ایجاد ارز مشترک و یکپارچگی مالی، هنوز به مرحله اجرایی‌سازی کامل نرسیده است. بانک توسعه اوراسیا و صندوق اوراسیا دو نهاد مهم مالی هستند، اما وابستگی شدید به روسیه و تاثیر تحریم‌های خارجی، روند همگرایی مالی را کند کرده است. در مقابل، بریکس با راه‌اندازی بانک توسعه نوین و صندوق ذخیره ارزی توانسته است جایگزین‌های محدودی برای نظام مالی غربی ارائه دهد.

در زمینه تجارت و تعرفه‌ها، اتحادیه اقتصادی اوراسیا با ایجاد اتحادیه گمرکی، امضای توافق‌نامه‌های تجارت آزاد با کشورهای چینی ویتنام، صربستان، سنگاپور و ایران، گام‌هایی در راستای کاهش موانع تعرفه‌ای برداشته در حوزه حمل‌ونقل و زیرساخت‌ها، اتحادیه اقتصادی اوراسیا گام‌هایی مؤثر در جهت تسهیل ترانزیت، یکپارچه‌سازی سیستم مجوز حمل و نقل، کاهش هزینه‌ها و توسعه کریدورهای منطقه‌ای برداشته است. اما بریکس

علی‌رغم حجم بالای تجارت درون‌گروهی، فاقد رژیم تعرفه‌ای یکپارچه یا بازار مشترک رسمی است.

نتیجه‌گیری

بریکس و اتحادیه اقتصادی اوراسیا، دو نهاد متاخر در مسیر همگرایی است که در این تحقیق سعی شده است به این سوال پاسخ داده شود که کدامیک از این دو نهاد در زمینه همگرایی موفقیت بیشتری را کسب کرده‌اند؟

بر اساس نظریه نوکارکردگرایی، کشورهای عضو اتحادیه اقتصادی اوراسیا به منظور غلبه بر محدودیت‌های ملی برای رفع مشکلات، بخشی از اختیارات خود را برای کسب منافع بیشتر به یک نهاد جدید منتقل کردند. نهاد اتحادیه اقتصادی اوراسیا در سال ۲۰۱۵ خودمختاری را برای اتخاذ تصمیمات و اجرای آن بدست آورد و در طول سالهای ۲۰۱۵ تاکنون توافق‌ها و مقررات بسیاری وضع کرد. از نظر نوکارکردگراها، نهادهای فراملی نقش مهمی در توسعه همگرایی دارد و در این مسیر معتقد به سرریز عملکردی است که شاخه‌های متعدد اقتصادی را شامل شده است.

ارکان و سیاست تصمیم‌گیری منسجم، قوانین مقرراتی که کمیسیون اقتصادی اوراسیا تدوین می‌کند، نظارت بر عملکرد اقتصادی و تجاری کشورهای عضو با یکدیگر، اتحادیه گمرکی و حذف تعرفه کالاها میان کشورهای عضو و قراردادهای تجارت آزاد متعدد اتحادیه با کشورهای ثالث و همچنین افزایش رشد تولید ناخالص داخلی تا ۶۵ درصد، رشد تجارت درون اتحادیه تا ۴۰ درصد از شاخصه‌های موفقیت آمیز اتحادیه در مسیر همگرایی است.

رفع برخی از موانع داخلی و تجارت آزاد کشاورزی، دارو و تجهیزات پزشکی، جابجایی نیروی کار و حمل و نقل، نشان می‌دهد در رشد اقتصادی و بخصوص تجارت موفق عمل کرده است. البته اتحادیه در رفع موانع تا رسیدن به وضعیت مطلوب که در مقررات و اساسنامه اتحادیه ذکر شده با فاصله زیادی روبرو است ضمن آنکه در بخش انرژی که مهمترین دغدغه سه کشور عضو اتحادیه مانند ارمنستان، قزاقستان و بلاروس

مقایسه تطبیقی دیپلماسی اتحادیه اقتصادی اوراسیا و بریکس ... ۱۰۵

است توفیقی نداشته و تاکنون موفق به تشکیل بازار مشترک نشده است. در موفقیت همگرایی، عوامل سیاسی و نهادی و اجرایی متعددی نقش دارد. تمایل سیاسی کشورهای عضو به همگرایی و ثبات نهادی، درجه همگونی سیاسی به ویژه، سیستم اجتماعی سیاسی موجود در کشورهای عضو، کارآمدی نهادهای ملی و مشترک و ظرفیت آنها برای انطباق با تغییرات جاری و پیکربندی روابط خارجی کشورهای عضو و توسعه یافتگی اقتصادی در تحقق همگرایی بسیار مهم است اما همه این فاکتورها در میان اعضای اتحادیه اقتصادی اوراسیا دیده نمی‌شود. بخصوص شرایط بین‌المللی مانند همه‌گیری ویرس کرونا، انزوا و تحریم‌های شدید روسیه، بعنوان عضو پیشرو، مانعی برای عملکرد اتحادیه برای کسب اهداف خود است.

بریکس در مقایسه با اتحادیه اقتصادی اوراسیا، با وجود داشتن کشورهای بزرگ و قدرتمند در حال توسعه و سرعت قلمرو، جمعیت، قدرت اقتصادی و قدرت نظامی - دفاعی که می‌تواند بر روند جهانی تاثیرگذار باشد. هیچ‌یک از مراحل همگرایی اقتصادی مانند، قرارداد تجارت ترجیحی، تجارت آزاد، ایجاد اتحادیه گمرکی، حذف تعرفه‌های تجاری و تعرفه‌های مشترک تجارت خارجی را بوجود نیاورده است. کمیسیون اقتصادی برای تدوین قوانین، نظارت بر اجرای آن ندارد و تنها بیانیه‌ها و یادداشت تفاهات، مکانیسم همکاری را برای اعضای ترسیم می‌کند. هیچ‌یک از ارکان‌هایی که معمولاً در همه اتحادیه‌های اقتصادی و همچنین اتحادیه اقتصادی اوراسیا وجود دارد در این بلوک ایجاد نشده است. اما بررسی‌های انجام شده نشان داد که نقش بریکس در تجارت جهانی بالا بوده و کشورهای عضو سهم قابل ملاحظه‌ای از تجارت بین‌الملل را به خود اختصاص داده‌اند. به عبارتی، بریکس توانسته در خلق تجارت بین اعضای و انحراف تجاری از شرکای بیرونی به اعضای بریکس موفق باشد که نکته‌ای بسیار مهم در همگرایی می‌باشد.

در واقع کشورهای عضو بریکس از کشورهای بزرگ سرمایه‌گذار و سرمایه‌پذیر در حال توسعه در جهان تشکیل شده است که قابلیت نفوذ و اثرگذاری در اقتصادهای کشورهای جهان و کشورهای در حال توسعه را دارد بدون آنکه پیش شرط‌های خاصی از نظر نوع رژیم سیاسی و اجتماعی و اخلاقی تحمیل کند. بانک توسعه بریکس یک رقیب

جدی برای موسسات مالی جهانی می‌باشد که می‌تواند اهداف اقتصادی را در کشورهای عضو و کشورهای در حال توسعه پیش ببرد. قدرت صنعتی و فناوری چین و هند و قدرت کشاورزی و انرژی روسیه و عضویت جدید ایران، امارات و عربستان سعودی، آن را تبدیل به یک هاب صنعتی، تجاری، کشاورزی و انرژی در جهان کرده است. این بلوک با اراده سیاسی اعضاء قابلیت تبدیل شدن به یک نهاد یکپارچه در اقتصاد، تجارت و سیاست دارد و می‌تواند مراحل همگرایی تجاری، بانکی، ارز واحد و بازار مشترک را ایجاد کند. هر چند که با موانعی مانند اختلافات چین و هند و رقابت میان اعضاء قدرتمند مواجه است. بنابراین این مقاله با بررسی‌هایی که انجام داده توانست فرضیه تحقیق را ثابت کند که اتحادیه اقتصادی اوراسیا در عمل در زمینه همگرایی تجاری موفق بوده ولی قابلیت‌های بریکس به جهت داشتن اقتصادهای بزرگ و تاثیر گذار در جهان، قدرت نظامی – دفاعی قابل توجه و وجود بانک توسعه بریکس در همگرایی اقتصادی و سیاسی بیشتر است.

References

- Anand, P.B; Fennell Shailaj; Comim Flavio (2021): *Handbook of BRICS and Emerging Economies*, ISBN: 9780198827535, Oxford University Press, Oxford
- Brown, Emily (2021). "BRICS and the Evolution of Global Trade". *International Trade Review*, Vol. 12, Issue 2, pp. 67-89.
- Busygina, Irina (2024), Impact of the war in Ukraine on Eurasian Economic Union, Available: <https://www.ponarseurasia.org/the-impact-of-the-war-in-ukraine-on-the-urasian-economic-union/>
- Kinyakin, A. (2016), "The Eurasian Economic Union: Between Co-Existence, Confrontation and Cooperation with the EU", *Rocznik Integracji Europejskiej*10(3): 461-480, Available: https://www.researchgate.net/publication/322645416_The_Eurasian_Economic_Union_between_coexistence_confrontation_and_cooperation_with_the_EU
- Lindberg, Leon 1963. *The Political Dynamics of European Integration*. Stanford, CA: Princeton University Press.
- Lindberg, Leon and Scheingold, Stuart 1970. *Europe's Would-Be Polity*. Englewood Cliffs. NJ: Prentice Hall
- Luzina and colleagues (2018). "The International and Legal Framework for Transregionalization of Trade and Economic Cooperation of the BRICS

Countries” European Research Studies Journal Volume XXI, Special Issue 3,176-166, Available: <https://www.um.edu.mt/library/oar/bitstream/123456789/40310/1/The%20International%20and%20Legal%20Framework%20for%20Transregionalization%20of%20Trade%20and%20Economic%20Cooperation%20of%20the%20BRICS%20Countries.pdf>

Malle, S. (2016), “Economic Sovereignty. An Agenda for Militant Mitrany, David (1966), A Working Peace System, Chicago, Quadrangle Books.

Mostafa, G., Mahmood, M. 2018 “Eurasian Economic Union: Evolution, challenges and possible future direction” journal of Eurasian Studies, pp. 163-17

Saadat M. Assanseitova, Erlan K. Abil, Saida A. Makhatova (2022):EAEU and BRICS: State and Prospects of Cooperation – EconPapers, A chapter in *Current Problems of the World Economy and International Trade*, 2022, vol. 42, pp 161-173 from Emerald Group Publishing Limited, ISBN: 978-1-80262-090-0, Available at:

<https://www.emerald.com/insight/content/doi/10.1108/S0190-128120220000042016/full/html?skipTracking=true>

Salzman, Rachel S. (2019): *Russia, BRICS, and the Disruption of Global Order*, University Press, 175 pages, ISBN: 9781626166615, Georgetown

Sarkar, A.N (2016): *BRICS New Development Bank: A Game-changer for the Emerging Economies*, Avon Publication

Smith, John (2022). "The Role of BRICS in the Global Economy". *Journal of International Economics*, Vol. 45, Issue 3, pp. 123-145.

Vinokurov, Evgeny, 2018, Introduction to the Eurasian Economic Union, Palgrave Macmillan, <https://doi.org/10.1007/978-3-319-92825-8>

UNCTAD (2023): *BRICS Investment Report 2023*, UNCTAD, Geneva, available at: https://unctad.org/system/files/official-document/diae2023d1_en.pdf

UNCTAD (2023): *Evolution of the world's 25 top trading nations*, available at: <https://unctad.org/topic/trade-analysis/chart-10-may-2021>

UNCTAD (2020): *World Investment Report 2020: International Production Beyond the Pandemic*. United Nations: New York and Geneva. https://unctad.org/system/files/official-document/wir2020_en.pdf

Wang, Chen (2017). "BRICS and Regional Economic Integration: A Comparative Analysis". *Journal of Economic Integration*, Vol. 19, Issue 3, pp. 109-128.

Yang Xun, Bai Yang (2022) : *World Economic Outlook Update*, July 2022. Available at:

- <https://www.imf.org/en/Publications/WEO/Issues/2022/07/26/world-economic-outlook-update-july-2022> 8
- Cattane, N & B iziwick, M (2014). "The BRICS Contingent Reserve Arrangement and its Position in the Emerging Global Financial Architecture" Policy Insights 10, Available: <https://saiia.org.za/wp-content/uploads/2015/04/Policy-Insights-10.pdf>
- https://www.business-standard.com/india-news/brics-to-look-at-expansion-as-russia-proposes-to-add-10-partner-countries-124063000485_1.html
- <http://www.brics.utoronto.ca/docs/230823-membership-expansion.html>
- <https://brics-pay.com/>
- <https://eec.eaeunion.org/en/news/bakytzhan-sagintaev-prinyal-uchastie-v-sammite-briks/>
- https://www.trademap.org/Country_SelProduct_TS.aspx?nvpm=1%7c%7c%7c%7c%7c01%7c%7c%7c2%7c1%7c1%7c1%7c2%7c1%7c2%7c1%7c%7c1
- <https://eec.eaeunion.org/en/comission/collegium-members/>
- Domestic Markets Operation in the territory of the Eurasian Economic Union (eaeunion.org)

استناد به این مقاله: مختاری، سمیه، سجادپور، محمد کاظم و گودرزی، مهناز. (۱۴۰۴). مقایسه تطبیقی دیپلماسی اتحادیه اقتصادی اوراسیا و بریکس در مسیر همگرایی.. تعاملات دیپلماتیک، ۳ (۹)، ۶۳ - ۱۰۸.

doi: 10.22034/dpiq.2025.530231.1043



The *Diplomatic Interactions Research Quarterly* is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License